

رفیق فداکار توده‌ای، هنگام آوردن «نامه مردم»، در دریا غرق شد



حسین دژگانی، رفیق فداکار توده‌ای، هنگامیکه از جزیره رستم برای آوردن نامه «مردم» به بندرعباس، سوی این بندر حرکت میکرد، بر اثر غرق شدن قایق موتوری، جان خود را هنگام انجام وظیفه حزبی از دست داد. رفیق قید حسین دژگانی اهل قشم بود و در این جزیره در آموزش و پرورش تدریس میکرد. او از وقتی که به حزب توده ایران پیوسته، زندگی خود را وقف آرمان حزب طبقه کارگر ایران کرد. چهره همیشه خندان رفیق حسین برای زحمتکشان قشم آشنا بود. آنها همیشه این معلم توده‌ای را می‌دیدند که از انقلاب پرشکوهر مردم ایران و از حزب توده ایران دفاع می‌کند. متأسفانه انحصارطلبان این جبهه انقلابی را از آموزش و پرورش به‌اصطلاح فداکاری کردند. آنها در مقابل اسرار رفیق حسین، که خواهان

حسین دژگانی، رفیق فداکار توده‌ای، هنگامیکه از جزیره رستم برای آوردن نامه «مردم» به بندرعباس، سوی این بندر حرکت میکرد، بر اثر غرق شدن قایق موتوری، جان خود را هنگام انجام وظیفه حزبی از دست داد. رفیق قید حسین دژگانی اهل قشم بود و در این جزیره در آموزش و پرورش تدریس میکرد. او از وقتی که به حزب توده ایران پیوسته، زندگی خود را وقف آرمان حزب طبقه کارگر ایران کرد. چهره همیشه خندان رفیق حسین برای زحمتکشان قشم آشنا بود. آنها همیشه این معلم توده‌ای را می‌دیدند که از انقلاب پرشکوهر مردم ایران و از حزب توده ایران دفاع می‌کند. متأسفانه انحصارطلبان این جبهه انقلابی را از آموزش و پرورش به‌اصطلاح فداکاری کردند. آنها در مقابل اسرار رفیق حسین، که خواهان

آمریکای جنایتکار

بیت از صفحه ۱ زندگی کند و آنچه گذشته است، مود غنو است. رهبر انقلاب آنکه با اشاره به اینکه ایجاد اختلاف و تفاق کمک به دشمنان انقلاب و خصوما «آمریکای جنایتکار» است، از تمام دست‌انگشتان و دست‌انگشتی که از این گونه اعمال پشیمانند، پشیمانند. امام خلیفه سید با اشاره به اینکه اعمال بی‌شرفی از روحانیون به دوچه روحانیت لطمه وارد می‌آورد، از جمله گفتند:

«متأسفانه بعضی از علمای به خيال پستیانی از اسلام تحت تأثیر شایعات واقع شده و یکسره به افتاد از جمهوری اسلامی از تمام دادگراها و همکارگانی جمهوری اسلامی برخاسته (ان)» رهبر انقلاب سپس از شورای عالی قضایی خواست تا با تشکیل هیئت‌هایی به کار دادگراها رسیدگی کنند و وقایع غیرصالح و نامتعارف را کنار بگذارند. رهبر انقلاب همچنین از شورای فرماندهی سپاه پاسداران خواستند تا با رسیدگی به برخی اشتباهات

سپاه پاسداران انقلاب و برطرف کردن آنها نگذارند. این جوانان عزیز انقلابی و این کارگران فداکار مومن و متعهد حیثیت خود را در بین ملت از دست بدهند. امام خلیفه سپس از دولت خواست تا با پیش از پیش به کشاورزی و کشاورزان کمکهای لازم را بکنند و باز پیچ و خمهای اداری که موجب تأخیر در این امر جرات‌است، جلوگیری نمایند. رهبر انقلاب در انتهای پیام خود از مردم خواستند که به‌شایمان دشمنان انقلاب توجه نکنند.

حجت الاسلام خامنه‌ای...

بیت از صفحه ۱

سراسر ملت ایران است و مردم با قاطعیت در مقابل تمام توطئه‌های ناپسندانه‌ی استبداد، پیش از خلیفه‌های نماز، مهندس پیرزاد نبوی وزیر مشاور دولت امور اجرائی و مستخکروی دولت ملی سخنان شروخی صورتی از ناپسندانه‌ی اقتصادی کشور که در واقع میراث‌شوم نظام منطقت شاهنشاهی در کشور است ارائه کرد و از اقدامات دولت برای تغییر این سخن گفت: وی با اشاره به سیاست رژیم گذشته جینی بر تنی کردن اقتصاد ایران بهفت و وابسته کردن تمامی رشته‌های اقتصادی آمریکا و الحاحات غریبه گفت: «دکتری کرده بودند که مجبور بشدند برای زنده ماندن روزی هر یک میلیون بشه گفت به‌خروج صادر آگینه. وی همچنین به‌اقتصاد ورشکسته، بی‌کارهای صنایع و کشاورزی درم ریزش زمان رژیم شاه اشاره کرد و گفت: «ببخاطر همان پیرانها ما هر روز میلیارد تومن کسری بودجه داشتیم و سالی که بودت دولت اتاده بودند، ۱۶ میلیارد تومان ضرر می‌داد. وی سپس شرح مشکلات اقتصادی را در تمام زمینه‌ها یا مردم انقلابی ایران در میان گذاشت و گفت: «این گزارشهای بد را با مردم بیادند که از نظر اقتصادی چه مشکلاتی وجود دارد. قانون‌رانی که اعتراض می‌کنند چرا عیلما کم است اسل، بداند در چه وضعیتی قرار داریم. وی سپس

ضمین یادآوری کوشش خستگی‌ناپذیر مسئولان و کارکنان در زمینه تأمین نیازمندیهای مملکت به‌این نکته اشاره کرد که با وجود از کارآنها اکثر بنادر، میزان ورود کالا و حمل آن از ۳۰ هزار تن در روز به ۶۰ هزار تن افزایش یافته است. وی همچنین از «برنامه‌های خیری» که در ستاد وسیع اقتصادی در دست تیه و اجراء است سخن گفت و یادآور شد یکمک برادران کارگر و مسئولین شهمد موفق شدیم سطح تولید را در کارخانجات بالا ببریم و از میزان ضرر تأحد زیادی بکاهیم. وی همچنین با اشاره به توطئه دشمنان انقلاب برای ایجاد عدم تبات و جلوگیری از برنامه‌ریزی دولت مدت و همه‌چیز اقتصاد کشور گفت: «ما با برادران در هیئت دولت هم‌قسم شدیم که این برنامه‌ریزی را در سال آینده به انجام برسانیم. وی همچنین گفت: «در زمینه بازگشت خارجی قول می‌دهم تا حد امکان در مورد کالاهای اساسی اقدامات مهمی شود و مساله ارضی به بهترین شکل حل خواهد شد. وی در پایان از تمام مسئولان و کارکنان خواست که تولید را در سه جا افزایش دهند. وزیر مشاور همچنین از تمامی مردم فداکار و قهرمان ما که تمامی این مشکلات را تحمل کرده و میکنند و یار و پشتیبان دولت در اقدامات انقلابی‌اش هستند سیاست‌گذاری کرد. سپس - حجت‌الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران طی سخنانی ضمن ابراز اطمینان از پیروزی انقلاب در مقابل تمامی مشکلات از مسافرتش

توده‌های میلیونی...

بیت از صفحه ۱

«از صبح روز چهارشنبه گذشته، صفوف بی‌پایان مردم، در زیر باران شدید و هوای بسیار سرد، به حرکت درآمدند. انبوه مردم، در جالی که صلابت رهبر انقلاب پیشاپیش آنها حرکت داده میشد، چتر در دست، با شمار یکپارچه هرگز بر آمریکا، هرگز بر رنگان» بجانب میدان آزادی در حرکت بودند. زحمتکشان که از قتل جنوبی تهران به حرکت درآمدند، شمار می‌دادند: - دشمن اصلی ما آمریکاست - درود بر خلیفه، سلام بر شهیدان - ساعت ۱۰ صبح، صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که به ملت هوای بد را می‌باید نوازش داد. اما بنا به گزارش خبرنگاران قلمه مردم «توده‌های خلق زیر باران تند بهاری که پیوسته شدید و شدیدتر میشد، به رامی‌بمانی ادامه دادند. در دست آنها پلاکاردهای دیده میشد که بر آنها نوشته شده بود:

- برادر، برادر، پیش بسوی اتحاد - «سازش» که تسلیم نرد با آمریکا - جهان اسلام بیست آمریکا گرفتار است - آنچه بیشتر از همه در میان صفوف مردم پوشش می‌خورد، دعوت به اتحاد زیر رهبری امام خلیفه بود: - هر چه مستحکمتر باد پیوند همه قشرهای ملت زیر رهبری امام خلیفه - ساعت ۱۱ صبح، انبوه جمعیت با شمارهای: - دشمن اصلی ما آمریکاست، آمریکا - پس هرگز بر آمریکا

- استقلال آزادی، جمهوری اسلامی - به میدان آزادی رسید و مراسم آغاز شد. در ابتدای این مراسم، پس از اجرای چند سرود انقلابی توسط گروهی از نوجوانان، آیت‌الله جنتی عضو شورای نگهبان قانون اساسی، سخنانی ایراد کرد. وی با اشاره به شور انقلابی و حضور فعال مردم در میدان که تواتر است «آمریکا و سازمان‌های وابسته آنرا به زانو درآورده، از سطح بالای آگاهی سیاسی مردم سخن گفت. وی همچنین با اشاره به فرمان امام خلیفه در زمینه حاکمیت قانون بر جامعه، از جمله گفت:

«باید این قانونی که نتیجه خون این همه شهید و تلاش این همه انسانهای زنده و متحرک است، بر سراسر کشور و بر سراسر جامعه ما حکومت کند. وی از همه مقامات و مسئولان و همه گروه‌ها خواست که این قانون را بپذیرند، «با بسیاری از تشجیها از این پروند و قانون بر جامعه حاکم شود. در پایان قطنامه مراسم قرائت شد. در قسمتی از این قطنامه، ضمن اشاره به لزوم حفظ وحدت در شرایط کنونی، از دادگاههای انقلاب و شدمت عمل بیشتری نشان بدهند. در این قطنامه همچنین از مسئولین امر خواسته شده بود تا فرامین امام خلیفه را در مورد ایجاد وحدت و جلوگیری از هرگونه تفرقه اجرا کنند و در تحقق پیشین پیام دهم‌های و مودادیم نوروزی رهبر انقلاب از هیچ کوششی دریغ نوزند. قطنامه همچنین به‌پشتیبانی همه‌جانبه مردم ایران از زرمندگان انقلاب در جبهه‌های جنگ اشاره کرده و از تمامی کارگران، کشاورزان، کارمندان و اقشار شهمد مردم قهرمان ایران خواست بود که «همچون گذشته هر چه بیشتر در تولید کوشیده و در مصرف صرفه‌جویی کنند. در قسمت دیگر این قطنامه، با اشاره به فرمان نوروزی امام خلیفه مبنی بر اعلام سال جدید به‌یونان سال حاکمیت یافتن قانون در کشور، از تمامی ارگانها خواسته شده است که در اجرای این امر یکپوشه، قطنامه مراسم همچنین حمایت مردم ایران را از اتحاد تمامی محرومان و مستضعفان جهان

میخواهند مجوزی درست کنند برای اینکه به‌منطقه‌ی خود پیوسته. ما اعلان می‌کنیم شعارها و شعارهای در ایران متعلق به گروه و دست خاصی نیست، متعلق به سراسر ملت ایران است. این ملت یکبار ملست که خود را شناخت است و فهمیده است که در طول سالیان‌سیاه گذشته آمریکا به روز این ملت آورده است. بی‌جهل‌ها امروز دشمن نظام آمریکایی هستند. دشمن مردم‌دوران در آمریکا و دشمن رژیم‌های غریبی پلید هستند. امروز دیگر برای مردم ما پیوسته رادوبوهای بیگانه و مزدور این حرفها قابل قبول و قابل شنیدن نیست. امام جمعه تهران تأکید کرد:

«ما در مقابل همه توطئه‌های که آمریکا دارد زمینه‌های آنها را به‌خیال خود هوای می‌کنند با قاطعیت خواهیم ایستاد. حجت‌الاسلام خامنه‌ای به‌ملت‌های مسایه حصار داد که: «آنها هم دقیقاً به‌توطئه آمریکایی توجه کنند و آن دولتی‌های که احساس مسئولیت می‌کنند گول آمریکا را نخورند و بدانند که این تبلیغات زمینه‌ساز برای یک تجاوز جدید است، تجاوزی که بی‌تیا با ناگامی متجاوز همراه خواهد بود. امام جمعه تهران در بخشهای دیگر سخنان خود به‌توطئه دشمنان برای ایجاد اختلاف‌نمیان شیمه و سنی اشاره کرد و خطاب به‌نویسندگان روزنامه‌ها و مطالب صدا و سیما جمهوری اسلامی

علیه تحسین «آمریکای کامل جهانواران» ویژه شیطان بزرگ آمریکا اعلام کرده بود. در این قطنامه همچنین آمده بود: «آمریکا این سلسله‌گر خونخوار را با بیادناک‌های نظامی خود در کشورهای مسلمان‌ترین سر در سرکوب نمودن اسلام را دارد و قیامه که نیرنگی است و ضعیف (است)» در پایان این قطنامه تشکیل «نیروی واکنش سریع» که از جمله جمله‌های مکرر شیطان بزرگ است و نیز جنایات ضدانسانی سوسیالیست تبهکار در حله اخیرش به جنوب لبنان شدیداً محکوم شد. مراسم تهران در فریادهای پرشور مردم، که ۱۲ یاز هرگز بر آمریکا را به‌مناسبت ۱۲ فروردین با ختم تکرار می‌کردند، پایان گرفت. براساس گزارش خبرنگاران قلمه مردم «شهرستانهای مختلف کشور هم مراسم سالروز طسرتار جمهوری اسلامی ایران» یا شکوه تمام بر گزار شد:

تبریز

به گزارش خبرنگار قلمه مردم از تبریز، از اولین ساعات بامداد روز چهارشنبه ۱۲ فروردین، در میان برف و سرمای چند درجه زیر صفر، مردم قهرمان تبریز به خیابانها آمدند تا سالگرد جمهوری اسلامی ایران را به روز گلگانی و وحدت تبدیل کنند. مردم تبریز که پلاکاردهای چون: - دوازده فروردین سالروز رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مسکینان در ایران است. - دوازده فروردین سالروز جمهوری اسلامی ایران، برهبری امام خلیفه، طیبه پیروزی مستضعفین بر مستکبران جهانی، به‌سرگردگی آمریکا گرامی باد. در دست داشته، در حالی که شمار می‌دادند: «خلیفه یاور مستضعفین، آمریکا دیر دشمن مستضعفین» (خینی یاور مستضعفین، آمریکا دشمن مستضعفین) «مسلمان به‌پوشش یافتن آمریکا در کین است» بسوی میدان تبریز به‌حرکت در آمدند. در این محل، حجت‌الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی طی سخنانی، از جمله گفت: «دوازده فروردین روزی است که رای دادیم تا ملتون بماند، رای دادیم تا شیطان بزرگ پایش از این مملکت قطع شود. رای دادیم تا مسئولان نظامی آمریکا و کاغذپاشیان و آشفتگان در این مملکت حکومت نکنند. رای دادیم تا امام خلیفه در راس ولایت قیامه رهبر ما باشد. در پایان مراسم، قطنامه مردم تبریز قرائت شد که در آن مردم حمایت مجدد خود را از رهبری انقلاب اعلام داشته بودند.

رامسر

براساس گزارش خبرنگار قلمه مردم از رامسر، مراسم روز جمهوری اسلامی ایران در این شهر به‌مکتب بارندگی شدید با جمع گروه کثیری از مردم در سطح بازار رامسر با شکوه فراوان بر گزار شد. شیون، نماینده مردم کرج، طی سخنانی سیاست تشنج‌آفرینان و مخالفین خط امام را در جهت شیت خط ریکان نامید.

بابل و ساری

در بابل و ساری نیز مراسم بزرگداشت سالروز استقرار جمهوری اسلامی ایران در میان ریزش شدید باران در میان شمارهایی چون جمهوری اسلامی خوبه‌ی شهیدان، جمهوری اسلامی امید مستضعفان هر از اتحاد ملت آمریکا و حجت‌الدوله مزدور آمریکائی توطئه در سر دانه بر گزار شد. پس اساس گزارش خبرنگاران قلمه مردم در شهرهای دیگر کشور هم مراسم ۱۲ فروردین با شکوه تمام بر گزار شد.

خواست که مطالب آنها «بها» به‌ست مسئله‌انگیزان ندهد. امام جمعه تهران گفت: «رادوی و تلوزیون و روزنامه‌ها مال همه این ملت است. مال صاحبان‌هاه مذاهب و احزاب گولگون همه هه است، همه باید به‌پاگوش باشند و از او بهره‌گیرند. حجت‌الاسلام خامنه‌ای در پایان سخن حصار در باره افزایش اعتماد و تجارت مواد مخدر، آنرا یک «توطئه حساب شده» است و از دستگام قضایی خواست که کندگان مواد مخدر به‌رحم و انصاف، از خود نشان ندهند. امام جمعه تهران از مردم نیز خواست که در پیگیری این امر، مقامات قضایی را یاری‌رسانند.

همکاری نزدیک و سه جانبه نهادهای انقلابی با شوراهای ده ضرورت حیاتی دارد

کزارشی از فعالیت‌های هفت‌گانه جمع‌فروزی و کشاورزی زمین در سرزرتک شور طی هفت ماه گذشته، اخرا انتشار یافته است. در بخشی از این گزارش، ضمن ذکر مشکلات موجود در سر راه تحقق وظایف قانونی و شرعی هیئت‌های هفت نفری، بمخالفت‌ها و کارشکنی‌های نمودار و بزرگ مالکان و اربابان و دوستان آنها که کسی جز همان سرمایه‌داران لبرال، یعنی موریانه‌های انقلاب و روحانی‌نمایان مخالف خط امام خمینی نیستند اشاره شده است. این مخالفت‌ها آنگاه که در گزارش نیز آمده، گاه حتی شکل توطئه بخود گرفته و منجر به دستگیری و زخمی کردن و حتی شهادت روستائیان مستضعف و همچنین برادران هیئت‌های هفت‌نفری توسط فئودال‌ها و اربابان مزدورشان گردیده است. ولی کارنامه مستعزیه نشان‌دهنده که هیئت‌های هفت‌نفری، در اجرای وظایف خطیر خویش، ندادگانه و یا حس‌نویسیت عمل کردند و علاوه بر واگذاری هزاران هکتار زمین در بین دهقانان بی‌زمین بطور عمد و مکرر تر تعویق موفقی بند "ج" و بند "د" متوقف ماند، در زمین‌گسترش نظام شورائی موفقی شده‌اند که در ایجاد ۱۸۵۵۶ شورا ای ده در سرزرتک ایران، به روستائیان کمک کنند.

کمک به مردمی کردن، فعال کردن و مقتدر کردن شوراهای ده

در زمین‌گسترش شیکم‌نورائی در سطح روستاها، هیئت‌های هفت‌نفری و سپاه‌سازان مناطق و گروه‌های جهاد سازندگی تاکنون تلاش فراوان داشته‌اند. این رقم که فقط هیئت‌های هفت نفری تاکنون در تشکیل ۱۸۵۵۶ شورای ده به روستائیان باری رسانده‌اند، قابل توجه و چشمگیر است. اما نکته مهمی که در کنار تعداد شوراهای ایجاد شده، توجه نکردن، توانائی و امکانات و اختیارات و هدف‌های شوراهای ده در دست نیرومندیاری خود را بسوی نهاد انقلابی شورای ده دراز کنند.

این کمک یک نهاد انقلابی به تشکیل و تقویت نهاد انقلابی دیگر حائز اهمیت است. در این زمینه نیز عملکرد هشت ماهه هیئت‌های واگذاری زمین، به همان اندازه که برای هواداران انقلاب امیدبخش است، برای بزرگ مالکان و همیالکی‌های استثمارگرشان، از اربابان آمریکایی گرفته تا دوستان لبرال و چپ‌نما و روحانی‌نماهای بقول امام خمینی بدتر از ساواکی، بغایت نگرانی‌آور است.

کمک به تشکیل شورای ده در همه روستاها

تشکیل هر شورای مردمی ده گامی است به پیش‌تر ضریب است بر پیکر دشمنان انقلاب، این ضریب بایستی قاطعانه، هوشیارانه و بی‌وقفه فرود آید. تجربه دوسال اخیر نشان می‌دهد که بزرگ مالکان و همدم‌های رنگارنگشان همواره در کمین‌اند، تا با سوءاستفاده از تملک‌ها و ناراستی‌ها و اشتباهات نیروهای انقلابی، آنچرا که انقلاب از آنها گرفته، دوباره بازیگری کنند. اینک امروز خواست اجرای فوری بند "ج" و بند "د"، یعنی کلیه اراضی بزرگ مالکی بعنوان تنها راه محل برای نابودی قطعی سیستم بزرگ مالک‌سوی فئودالیسم، بصورتی یکپارچه و وسیع - تاز گذشته توسط دهقانان زحمتکش، نیروها و شخصیت‌های انقلابی و در سمینارهای هیئت‌های هفت‌نفری یا جهاد سازندگی در استان‌های مختلف کشور مطرح می‌شود، در واقع نشان‌دهنده موختن از واقعیت زندگی و از خطاهای دوسال گذشته است.

در مبارزات کهر روز مرنوشت - سازت می‌شود، گردان‌های انقلابی می‌باید که بیش از پیش متحد و تجهیز و هوشیار باشند، ناراستی‌ها و لغزش‌ها را بمحاذات برسانند و تنها دقایق انقلابی و وظایف بسیار حساس و خطیر خود را کامل تر و همه‌جانبه تر انجام دهند. این از ضروریات انگار ناپذیر ادامه پیروزندانه انقلاب است. همبستگی و یاری بین نهادهای انقلابی برای تقویت یکپارگی آنها و مجموعه آنها، عنصر بسیار مهمی از این ضروریات است.

هیئت‌های هفت‌نفری سپاه پاسداران! جهاد سازندگی!

شماره عرصه بسیار مهم اصلاحات ارضی بنیادی و کمک به تشکیل شوراهای ده، هنوز مبارزات دشوار در پیش‌درآید بزرگ مالکان و سرمایه‌داران لبرال، با کمک روحانی‌نماها و چپ‌نماها، در برابر شما، مثل گذشته، مانع ایجاد می‌کنند و دماهای رنگارنگ می‌کشند. شما باید که شما از راه اصلی منحرف شوید یا از نیمه راه مابین بازگردید و در نتیجه منافع آنها محفوظ ماند. در عرصه اصلاحات ارضی، امروز اجرای فوری بند "ج" و بند "د" کلیه اراضی بزرگ مالکی را در برگیرد، بهترین شیوه مقابله با توطئه‌های دشمنان انقلاب

و مردمی شدن، که سودرستانان زحمتکش باشد، می‌تواند شاخص روشنی برای شناخت کمپنورائی انقلابی ده‌نفری باشد. این خصلت را در گفتم‌های معروف: "بکشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فئودال‌ها هستیم و سرمایه‌دارها" و "این مملکت مال کوخ‌نشینان است نه کاخ‌نشینان" و "ما مالکین و سرمایه‌داران بزرگ را به پای میز محاکمه می‌کشیم، آنها حقوق کارگران و رعایا را برده‌اند، یعنی جهت مالک‌کارخانه زمین‌های خود نمی‌باشند"، یعنی گفتم‌هایی که گوش از جان و قلب میلیون‌ها دهقان زحمتکش برمی‌خیزد می‌تواند بخوبی تشخیصی داد.

هیئت‌های هفت‌نفری! جهاد سازندگی! سپاه‌سازان!

شوراهای ده شما در تشکیل آنها کوشش داشته‌اید، بی‌اختیاریتانی دارند؟ امکانات مالی و اداری شوراهای ده چیست؟ پدیده‌های تحقق چه هدف‌هایی هستند؟ تا چنان‌دازه‌ها حمایت مستقیم مردم زحمتکش روستا بر خود دارند؟ تا چه حد می‌توانند این مردم را بسیج و متشکل کنند؟ امکان حل مسائل آنها را دارند؟

اینهائاتی اساسی است. ما در مقالات متعدد درباره لزوم تقویتی اختیارات قانونی و هم چنین دادن امکانات مالی و اداری کافی بشوراهای سخن لازم را گفته‌ایم. در این جا یکبار دیگر تا کدی می‌کنیم که اجرای سریعتر اصول قانون اساسی - مربوط به نظام شورائی، از ضروریات تاخیرناپذیر انقلاب است و در اجرای این اصول، نهادهای انقلابی، بویژه آنها که در سطح روستا عمل می‌کنند و به ناچار هر روز با شورای ده در تماس و همکاری هستند، باید نظر پراختیار خویش را بر بیان کنند و کوشش بر زمین خود را برای تحقق آن بکار برند. اما این شورا -

هائی که مابرای آنها طالب اختیارات قانونی و امکانات مالی و اداری کافی هستیم، چه ضمانتی دارند؟ برای تحقق چه هدف‌هایی تلاش می‌کنند؟ ضوابط انتخاب افراد در آنها چیست؟ هیچک از این پرسش‌ها نمی‌توانند نهادهای انقلابی جهاد و سپاه هیئت‌ها را بی تفاوت بگذارد، زیرا انجام وظایف انقلابی خودشان، در نهایت، به یافتن پاسخ درست آنها مربوط می‌شود. شناخت هدف‌ها و مستمکری شورا از آن جهت مهم است که می‌توانند ملایک مطمئی برای تشخیص شورای انقلابی و مردمی و فعال از یک شورای بیجان، منفعل و بدلی قرار گیرد، و مباد که چنین شود، زیرانحط وظایف ضروری، انجام نشده باقی می‌ماند، بلکه اعتماد روستائیان نسبت به شوراهای اصل شورائی سست می‌شود و بی‌بسیاری جای‌ترا می‌گیرد، گمان بدترین پیامد - هاست.

چرا چگونه یکشورای بیجان و مسخ می‌شود؟ و چه باید کرد تا از چنین روندی جلوگیری کرد؟

دفاع از شوراهای ده و خصلت‌های انقلابی آن

تشکیل ۱۸۵۵۶ شورای ده، طی هشت ماه، بیانگر یک واقعیت بزرگ و تاریخی است. این واقعیت عبارت است از تثبیت موجودیت شوراهای ده در مجموعه نظام جمهوری نوپای ما و ایجاد پایه‌های مطمئن وحدی برای سیستم شورائی، که در قانون اساسی پیش‌بینی شده و شالوده آن باید در روستاها و محلات رخت‌شود. این واقعیت با تمام وزن و توان خود ضد انقلاب و همه دستیاران لبرال، روحانی‌نما و چپ‌نما، مالکان بزرگ را واداشته، تا در برخورد با شوراهای امروزه بطور عمده شیوه نفوذ و تخريب از درون راجا بگیرین شیوه‌های قبلی مناعت و سدسازی از بیرون کنند

خصلت مردمی خط امام خمینی نیز آنچنان روشن و گویاست که جای تعبیر و تفسیرهای لبرالی باقی نمی - گذارد. این خصلت را در گفتم‌های معروف: "بکشاورزان بگوئید ما نه طرفدار فئودال‌ها هستیم و سرمایه‌دارها" و "این مملکت مال کوخ‌نشینان است نه کاخ‌نشینان" و "ما مالکین و سرمایه‌داران بزرگ را به پای میز محاکمه می‌کشیم، آنها حقوق کارگران و رعایا را برده‌اند، یعنی جهت مالک‌کارخانه زمین‌های خود نمی‌باشند"، یعنی گفتم‌هایی که گوش از جان و قلب میلیون‌ها دهقان زحمتکش برمی‌خیزد می‌تواند بخوبی تشخیصی داد.

در جریان انقلاب ایران، وحدت یکپارچه مردم زحمتکش، بهارها، در لحظات سرنوشت‌ساز، بدل به عاملی تعیین کننده در پی اثر کردن توطئه‌های براندازی امپریالیستی و ضد انقلابی گردیده است. کلام برینغوندر هر انقلاب هموار مجسم این وحدت بوده است.

ضرورت هماهنگی، همکاری و همبستگی نهادهای انقلابی در ده

این سه زمینه، یعنی مبارزاتی گرو هوشیارانه با امپریالیسم، تلاش برای ایجاد تغییرات بنیادی اقتصادی و اجتماعی بصورت حرومان جامعه، تا من اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی، باید شعار اساسی هر شورای انقلابی ده باشد، و بر شالوده همبستگی و همکاری نهادهای انقلابی، که در ده فعالیت می‌کنند، تحقق پذیرد.

هیئت‌های هفت نفری سپاه پاسداران! جهاد سازندگی! شما که در تشکیل شوراهای ده، کمک دهقانان شتافته‌اید، به این شوراهای کمک کنید، تا در جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های آن و دوستان و نوکران خارجی و داخلی، در جهت مبارزه با سیستم بزرگ مالکی - در هر جا که ضرورت این امر موجود دارد - و عواقب سر تسلط دیرینه استعمار وستم تجهیز و مهیا گردند. کمک کنید تا مسائل و گرفتاری‌های روستائیان را شوراهای ده همکاری و هماهنگی با شما حل و فصل کنند.

شوراهای ده نیز خود یک نهاد انقلابی مؤثر و پراهمیت هستند، که از بن‌برشور انقلاب شکوهمند، جوشیده - اند و سرآورد مانده آنها باید در راه تا من وحدت همه نیروهای ضد - امپریالیستی و مردمی و برای تحولات بنیادی، اقتصادی و اجتماعی به نفع محرومین و زحمتکشان جامعه و برای طرد و افشای دشمنان داخلی این هدف - هامبارزه کنند. حمایت نهادهای انقلابی و ارگان‌های مسئول و متعهد دولتی عامل مهمی در تحقق نقش واقعی و تاریخی شوراهای ده است.

شوراهای ده نیز خود می‌توانند پشتیبان بی‌ترزلز و تکیه‌گام مطمئن سایر نهادها باشند.

هیئت‌های واگذاری زمین، جهاد سازندگی، سپاه‌سازان!

شوراهای ده مشر به مبارزه دهقانان و سایر زحمتکشان روستاها و میوه انقلاب است. با آنها همه جانبه همکاری کنید و دستاوردهای آنها، که دستاوردهای انقلابی است، حفاظت و حمایت کنید. دست‌بزرگ مالکان و همدم‌های لبرال و روحانی‌نما و چپ‌نمای آنها را از تعرض به شوراهای ده کوتاه کنید. برای تدوین و اجرای برنامه‌های مردمی و انقلابی به آنها باری برسانید. با انجام وظایف انقلابی خود و با کوشش در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی دهقانان، مانع نفوذ عوامل نیگاریت خوانین و بزرگ مالکان در شوراهای ده شوید. بدانید که شوراهای انقلابی ده، اساسی ترین تکیه گاه شما در امر مبارزه با ضد انقلاب، دفاع از دستاوردهای انقلاب، عمران و آبادی، افزایش محصولات کشاورزی و دامی هستند

نیودن زمین و امکانات کافی، دو عامل مهم در مهاجرت دهقانان حسین آباد است



در روستای حسین آباد با کتید (واقع در ۳۷ کیلومتری جنوب غربی زنجان) ۷۰ خانوار (۴۰۰ نفر) زندگی می‌کنند (۱۵ الی ۲۰ خانوار بی‌زمین و ۴۰ خانوار کم‌زمین).

برخی از دهقانان، به علت نبودن امکانات کافی، زمین خود را بدون کشت گذاشته‌اند و به شهرها مهاجرت کرده‌اند.

اهالی آب مورد احتیاج خود را از چشمه تا من می‌کنند. ده برق ندارد، در حالی که برق تا حدودیک کیلومتری هم کشی شده است. حمام روستا غیر بهداشتی است و بناچار به علت نبودن نفت تعطیل می‌شود.

شورای ده متأسفانه فعال نیست، یکی از اعضای شورای ده درباره جنگ تحمیلی رژیم صدام می‌گوید:

"ما کمبودها را می‌پذیریم. ما می‌دانیم که علت اصلی تجاوز آمریکا است. مردم ده حاضرند برای جنگ به جبهه بروند."

او حواستار همکاری بیشتر ایران با کشورهای عمو جبهه پایدار است. اهالی از مسئولین انتظار دارند که به خواستهای آنها رسیدگی کنند.

با واگذاری زمین و امکانات تولیدی به دهقانان، بتوان از مهاجرت دهقانان به شهرها جلوگیری کرد. دهقانان باید شورای واقعی و فعال خود را، که بتواند در زمینه‌های تولیدی و معیشتی همه آنها را بسج کند، وجود آورد. با انتخاب اعضای انقلابی و دانشور در شورا، دهقانان

این کودک دهقان می‌خواهد تحصیل کند. باید برای او امکانات لازم را فراهم آورد.

می‌توانند برای تحقق خواستهای خود بطور مؤثری بکوشند. هم نیروی خود را سازمان دهند، هم نهادهای انقلابی را به کمک فرا خوانند و هم درخواست خود را به اطلاع مقامات مسئول دولت انقلاب برسانند.

تصحیح - در شماره ۴۵۰ نامه "مردم" نام روستای نزدیک قاش شهر بایسکاه ذکر شده، که درست نیست. واکی کلا نام این روستاست.

چرا رهبری «مجاهدین خلق» از حزب توده ایران طرفدار

مجاهدین خلق در

*** اگر قرار باشد کسی در آینده روزنامه «مجاهد» سیمای انقلاب را ببیند و جامعه برآمده از انقلاب را بشناسد، در حسرت روزگار طاعت آه خواهد کشید!**

*** سیاسی که در لفظه امپریالیسم را دشمن اصلی می خواند، در عمل «مجاهدین خلق» را به دفاع**

و لغزشها، کمی آنرا دست کاری کرد و با افزودن فصولی گوشت ماهیت رژیم شاه و اصلاحات دستوری او و هر چه روشن تر نشان دهد، ایراداتی که آقای رجوی، بمثابة برگه "حزب توده ایران" به آنها استناد میکند، تا حد زیادی در این فصول جدید و "آپایان گفتار" کتاب رفع شده و در بیشتر کتاب نیز به آن اشارتی رفت است.

مقاله محترم در آستانه تدارک ترجمه فارسی، با افزودن فصولی که حوادث را تا سالهای هفتاد دنبال میکند، متن حاضر را نسبت به متن سابق تکمیل تر ساخت و همچنین در دقیق تر ساختن برخی جاها و با افزودن بندهای هاگوشیدهاست. (۱۵)

اما آقای رجوی کاری به این کارها ندارد. قصد اصلی لحن مال کردن حزب توده ایران و دامن زدن به سوطنها و بیستاداریها در پیرامون آنست. به چه قیمتی؟ این دیگر مهم نیست. موازین اخلاقی را، اگر منافع ایجاد کند، میتوان موقتاً نادیده گرفت. اپورتونیستها را با هر تشدید و آزادی باید خوار کرد.

آقای رجوی احتیاجی به اینگونه انداختن به ضریحهای کاذب؟

آقای رجوی یک و راست به این پرستی پاسخ نمی دهد. اما عمل اورساتراز هر فریادی میگوید.

... به ...

آقای رجوی امرارادیده باطلان و خوانندگان خود باوراند که حزب توده ایران "انقلاب سفید" دست پخت شاه را تأیید می کرد. لابد تبعید و عقوبت رهبران حزبی و شکنجه و زندانهای طولانی و قتل و اعدام مبارزان حزبی در تمام طول سالهای اختیاری، با نداشتن این تأیید بود است. ضریب المثل مرغی است که: دروغ گفتن مالیات بندی خواهد بود. اما تست دادن دروغی به این کرامت، به حزبی که سالها مبارزان زندان و شکنجه برخی از رهبران خود از آن است. آقای رجوی کمتر نیست، بدون ارائه دلیل مشکلی از گوینده حل نمی کند. در دهان حزب توده ایران می گذارد، توی ذوق نزنند. به نمونه از این تخریبها و چشم بندیها توجه کنید:

"مجزئگویی اقدامات ترقی خواهانه شاه" (۱۷)

"حمله و اتهام بدگمانی صادق به نفع دربار شاه" (۱۸)

"سرنوشتی رژیم شاهنشاهی لزومی ندارد" (۱۹)

"ستایش از رژیم شاهنشاهی عنوان هم و آثای زمامداران آن با مبین پرستان" (۲۰)

"تأیید اقدامات ترقی خواهانه شاه برای بدست آوردن حق فعالیت علنی" (۲۱)

رهبری "مجاهدین خلق"، به خیال خود، می خواهد اتفاق کند که حزب توده ایران ستایشگر ضحاکي بوده است که مراهی رویدادهای شاهنشاهی، از مغز و جان و دارترین فرزندان اوتغذیه می کرد. این تلاش مبدع، سفید تر از آنست که جدی گرفته شود. اما بخاطر فصل مشترک "مجاهدین خلق" با انواع بسیار متوع دشمنان قسم خورده حزب ما و رهبران انقلاب، در نیستی قبر مداوم این اجساد گدیده، در تکرار خستگی ناپذیر این ابعاعات زنگ زده، بخاطر افتادن برخی از نیروهای کم تجربه مردمی در این تله، بر ذمه خود می بینیم که بکار دیگر ملال افشای این دعای را به خود بخیزیم.

درباره مناسبات ما با دولت دکتر مصدق، حالا دیگر آسودگیهای حزبی و غیر حزبی آنقدر هست که برای وجدانهای بی غرض شبهه باقی نگذارد. با این حال، مادر مقاله مستقل دیگری، در ارتباط با "مجاهدین خلق" باز هم بمنوی به مابین سلسله خواهم پرداخت. می ماند بگر بر حسب های ناچسب "مجاهدین خلق" که کمپوز کرد را به ما می آید. اما اگر هم "مجاهدین خلق" "ستایش و تأیید" حزب توده ایران از اصلاحات شاه

رهبری "مجاهدین خلق" می دانند که دروغ می گوید، موازی می گوید. چرا؟

مماقالات و تحلیلهای حزب توده ایران را در گرو ماگرم اصلاحات شاهنشاهی و بی آزاران، بارها بطور جداگانه و با یکجا تجدید طبع و تکثیر کرده ایم. "مجاهدین خلق"، که در ریافتن لحظهها و رگههایی در میان انبوه آثار حزبی، که بتوانند آزان پیرهن عثمان علیه ما سازند، چنین شاه تیز و قریحه چابکی نشان می دهند، آیا ممکن است انبیه شاه و مدرک و مثال را ندیده باشند؟ عقل سلیم این افعال را باور نمی کند. اما اگر هم خود را به خوشبینی صرف بسپاریم و خیال کنیم که این افعال سپهری است، آیا عصاره اعتقادی حزب توده ایران، که بارها از طریق رادیوییک ایران، روزنامه "مردم"

آقای رجوی امر دسترگی گفته است:

"فقط مردگان اشتیاقی کنند." (۹)

اما سرتک مرد دیگری به روی این سخن در چه دیگری هم کند است:

"پافشاری روی اشتباهات و ادامه آنها خیانت است." (۱۰)

شما به این حرفها اعتقاد دارید؟

چرا رهبری «مجاهدین خلق» تاریخ حزب توده ایران را تحریف می کند؟

گفتم که رهبری "مجاهدین خلق" از کت و شنود بی واسطه با حزب توده ایران اخترازی میکند. آنها میدانند که در چنین مجلسی نخواهند توانست تاریخ حقیقی را گل اندود کنند و سیمای یک حزب سیاسی را، که ترازنامه انقلابی ترین طبقه اجتماعی نیز هست، در شکستهای آینه تاریخی که دست پرورده کاتبان درباری و مورخان و اندیشمندان نوع رستخیزی است، منعکس کنند. آنها میدانند که صدای تاریخ حزب توده ای ما در طنین امواج رودخانه خویشی که نبض سمنل از شهدای زنده و مرده این مهبین رسنج و حماسه در آن می تپد، بر تنقهای غرضالود و مبتذل سفت خواهد گرفت و خطاب به حقیقت، کمترین دست زهر سیاه و افسونی است، فریاد خواهد زد:

حرف آخر را توینز

رهبر "مجاهدین خلق" تحمل شنیدن تفاوت تاریخ را ندارد. از این روست که به ضد تاریخ، یعنی بهمان کاتبان و دبیران دست آموز و روی مبارود و بادست آنها جاق خود را فرود می بارد:

"حزب توده از دیرباز پیوسته از خط حمایت از قانون اساسی شاهنشاهی، تا تأیید صریح و بی مصلحتی انقلاب سفید، تا خط دولت موقت و خط امام در گذر بوده و در هر مقطع نیز دلائل به اصطلاح مبسوطی برای توجیه این خطاها در آستان حاضر و آماده داشته است." (۱۱)

آقای رجوی، دست نکندارید. افترا زدن عاقبت خوشی ندارد. نوع بذری است که در یاد افشاند می شود. کسی که برای خود حقانیت قائل است، احتیاجی به این عصارهای پوسید ندارد.

اما آقای رجوی خیلی مطمئن و محکم حرف می زند:

... من دلیل دارم!

... خوشا به صدقاتان! پس علی الحساب یکی از این دلائل محکوم کننده را رو کنید، تا ببینیم با اصطلاح چندمرده حلاجید.

آقای رجوی می گوید:

"سرنوشتی که چند سطر تاریخ کلاسیک مورد قبول و تأیید حزب توده را برایتان بگویم. مساله قدری بیشتر روشن خواهد شد: صفحه ۲۲۷ (مورد اصلاحات ارضی شاه)؛ "از دورانی که در ایران اصلاحات ارضی آغاز گردید، در اقتصاد کشور پیشرفت های شایان توجهی انجام گرفت و در ارفع عقب ماندگی اقتصادی کشور گام مهمی برداشته شد."

وبا در صفحه ۲۵۹ کتاب نظرهان موقع حزب توده نسبت به ۱۵ خرداد می توان به عینه خواند که: "بخش ارتجاعی روحانیون به اتفاق نیروهای ارتجاعی ملاکان، از ناخرسندی قشرهای وسیع حاکمان که علیه رژیم برخی اقدامات رفرومیستی رژیم هر روز شدیدتر می شد، استفاده می کردند. از جمله این محافل گویندند که تظاهرات وسیع مردم را در ژوئن سال ۱۹۴۲ (محرّم ۱۳۴۲) که استفاده از امکانات تجمع در روزهای سوگاری آزادیگامین ساختمان بود، در جهت هدفهای خود مورد استفاده قرار دهند. پس از سرکوب این تظاهرات بوسیله واحد نظامی آیت الله خمینی که از مجتهدین شریعتی است، ایران بود، بازداشت و از کشور تبعید گردید. در این حوادث عدم دیگری از رجال روحانی بازداشت شدند و آیت الله خمینی که در نجف (عراق) اقامت گزیده بود، به تبلیغات علیه دولت، علیه اصلاحات ارضی و برابری حقوق زنان پرداخت ... (۱۲)"

برداشت بیرونی ایوانف، مولف "تاریخ نوین ایران"، در زمینه های مورد ایراد آقای رجوی، البته مورد انتقاد حزب توده ایران هم هست. سوی این انتقاد نظر بیرونی ایوانف، به هر حال نظر بیرونی ایوانف است. چگونه می توان این برداشت را به حساب حزب توده ایران نوشت؟ اما پیش از آنکه چنین سخنی به زبان آید، بانگ اعتراض و شامت آقای رجوی به آسمان بلند می شود که: "مگر حزب توده در معرفی این تاریخ آنرا "تاریخ گناه" خوانده است؟ مگر تصریح کرده است که این تاریخ "انظر حزب ما، که به ترجمه نوشته آن اقا ام کرده، یک تحلیل علمی مارکسیستی - لنینیستی است، که بر بنیاد پژوهش جامع مبتنی است و نمونه خود بررسی این سند تاریخی و علمی را به خوانندگان ایرانی توصیه می کنیم." (۱۳)

آقای رجوی، که کمینگی از حقیقت را می گوید، نیم دیگر آنرا به نفع خود صادر می کند. نیم حقیقت، همان مدفن حقیقت است. آقای رجوی اما با این "زرنگی"، چند قافیه ریجکسی بازی:

او با جعلاتی از بیگانه تر حزب توده ایران بز "تاریخ نوین ایران" اشاره کرده و آنرا سند عقاید ما خوانده است. اما ترجمه داده فراموش کند که حزب توده ایران، هم در همان پیشگفتار و هم در ۱۵ سال زودتر از ایشان، خود مسئولان تریه ایرادات اساسی کتاب بیرونی ایوانف برداشته و آنها را زیر ذر بین گذاشته است. توجه بفرمائید:

"... اما نقیصه عمده ای که به نظر نگارنده نمی توان از کنار آن گذاشت، چگونگی برخورد مولف با اصلاحات اخیر شاه و ارزیابی پاره ای واقع پس از اجزای این اصلاحات است. نظر مولف در باره اصلاحات شاهنشاهی و واقع پس از نظری واقع بینانه است. وی آنها را سطحی دانسته و دارای تأثیر عمیق نمی شمارد. ولی در ارزیابی و قیاسی که پس از شروع این اصلاحات ارضی خوانده است، مولف دچار اشتباهی می شود و مبارزاتی را که شدم است، غالباً منتسب به مرتجعین فتودال می داند. قیاس و قیاس نیز تماماً به حساب ارتجاع گزارده شده و توجه به شرکت عظیم مردم و اینکه شعارهای آنها بطور عمده ضد سلطنت و در جهت سرنوشتی رژیم بوده، نشده است. برای مولف کتاب که تخصصی تاریخ ایران است، تحلیل این موضوع مشکل نیست که چنین تحریک بی سابقه ای را در مردم، هیچگونه تئوری ارتجاعی نمی تواند بسوزد آورد. در این مورد بهترین و معتبرترین منبع استفاده برای مولف می توانست تحلیل های کمیته مرکزی حزب توده ایران قرار گیرد، نه اطلاع این یا آن روزنامه و مجله." (۱۴)

آقای رجوی، نظر حزب توده ایران را درباره اصلاحات نیم بند طاعتی و جنبش مردمی ضد سلطنتی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از این واضح تر می خواهد؟

۲- "تاریخ نوین ایران" تحقیق ارزنده ای است که متأسفانه از لغزشهایی مضمون نمانده است. اما هنگامی که حزب توده ایران تصمیم به نشر این اثر گرفت، مولف تاریخ، به توصیه محققین حزب ما، برای جبران این نقصها (۹) از گفتمای "هوشی مین" رهبر بزرگ خلق و پستام (۱۰) لنین ... (۱۱) مسعود رجوی، مجاهد، شماره ۱۰۹، ص ۱۵۰ (۱۲) همان منبع، همانجا (۱۳) همان منبع، همانجا (۱۴) دنیا، نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران، سال ششم شماره اول، بهار ۱۳۴۴

"مجاهدین خلق" برای توجیه ظفره رفتن خود از بحث اصولی با حزب توده ایران، به دستاویزهای غربی متوسل میشوند. آقای مسعود رجوی با قیاس قیاس میگوید:

"در این خصوص ما یک ملاحظه اصولی را مراعات کرده ایم." (۱)

چه ملاحظه ای آقای رجوی؟

آقای رجوی قاعدتاً باید وانمود کند که از این سوال شکست زده شده است:

سایر دیگر از روز روشن تراست ... "والا ما همواره از گفت و گو با مخالفین و منتقدین سیاسی، ایدئولوژیک خودمان استقبال کرده و می کنیم." (۲)

آقای رجوی توضیح میدهد:

"علت ترد مراجعات عدیده حزب توده از جانب ما به فقدان یک برخورد صادقانه و درست در موضع گیریها و نوشتهها و تألیفات این آقایان بر می گردد." (۳)

اگر اینطور که شما ادعا میکنید، باشد، آنها باید رفتاری به عکس داشته باشند؛ آنها باید از این دعوت و مباحثه بعنوان یک فرصت طلایی استفاده کنند، و این "فقدان برخورد صادقانه و درست" را، که به تصریح شما، با انواع اپورتونیسم، سوداگریهای سیاسی و سالیوس و شمه دهه میخواست، افشاکند؛ آنها برای افشای حزبی تا این حد "مؤنی" و "خطرناک" هیچ مسئولیتی در برابر تودهها احساس نمی کنند؛ اما شما درست به دلیل همین "فقدان برخورد صادقانه و درست در موضع گیریها و نوشتهها و تألیفات این آقایان" به دلیل "ناهی گویی، انحرافات و سطحی نگریهای عوام فریبانه حزب توده، که در شکستگی امپریالیستها و استعمارگران خلق را به تأخیری اندازد"، (۴) به دلیل "اپورتونیسم سنتی ریشمندی که در سراسر تاریخ این حزب "شرطی" شده است" (۵)، به سرت و فوری تر موقوفید، تا رودر روی آنها بنشینید و این ترغیبتها و انبوه های مملک را در بینه نگاه خلق روری دایره بزرید. در یک مباحثه زنده و حضوری این وصله دیگر به شامنی جسد که تنها به قاضی رقابت و راضی بر کشته آید. وانگهی، گفتن حقیقت شرط و شرط نمی خواهد. وفاداری به حقیقت خود جهاد بزرگی است. و اتفاقاً گفتن حقیقت و رواج آن در جای می برم تراست، که حقیقت قایب تراست.

آقای رجوی میگوید:

"اگر آقایان بتوانند برای یک بار هم که شده صداقت نشان دهند، آن وقت شکی نیست که ما آماده خواهیم بود، تا در یک گفتگوی رودر رو به بحث بنشینیم." (۶)

آقای رجوی باز هم شیور را از دم گشادش می نوازد. وی گویند که فراموش کرده است که این افراد و نیروهای صادق نیستند که از یک گفتگو و بحث زنده و روشنگر طفره میروند، بلکه آنان که "صداقت ندارند" و طبیعی است که رنگی به گفتگو دارند، از چنین رودر رویهایی میگریزند و با تئوریه پیش شرط و پس شرط، عذر و بهانه میآورند. شما که ظاهر می کنید همه حقیقت بجای شما و همه حقیقتها در جهت ماست، شما که سیاست و اصول خود را انقلابی ترین و سرزنده ترین شی می دانید، برای لوت کردن و موقوف کردن یک بحث عادلانه در شرایط مساوی، بهانه تراشی میکنید؟ ما صداقت نداریم؟ مفت چنگ شما! مشتاقان را باز کنید. دلائل این بی صداقتی را اگر واقف و موجود در دستر دستاکت از اسبلی، به گونه ما بنویسد. بگذارید از صدای این سبلی رسوا کنند، هم چشمها و گوشتهای حقیقت جو بیطرف ما برگردد.

آقای رجوی میگوید:

"در این خصوص ما یک ملاحظه اصولی را مراعات کرده ایم." (۷)

ما هم این گفته را باور داریم. بای "یک ملاحظه" در میان است. اما این "ملاحظه"، علم بر دعوی آقای رجوی، به هیچ وجه "اصولی" نیست، ضد اصول است. آقای رجوی مخالف "گفتگو" و "بحث" کردن با حزب توده ایران، نیست. مگر اختصام بدانند که در روز ۳۰ مه ۱۳۴۲ میل نشد به مجاهد بیرخاشی به حزب توده ایران، خود بحث نیست؟ مگر قرار دادن سیاه های متعدد در برابر ما، ریختن آزاری از افترا و دشنام بر سرمان، آغاز گفت و گو در محضر مردم نیست؟ پس چرا "مجاهدین خلق"، در همان حال که در عمل با ما درگیر بحث و جدال اند، در لفظ این مباحثه را حاکمان میکنند؟ چه کمیتی در این تناقض پخته است؟ لازم نیست به فرزندان فشار بیاورید، تا این معما راحل کنید. حال این معما ساده در خودت خلق "مجاهدین خلق" از بحث با حزب توده ایران ابائی ندارند. بر عکس، خیلی هم برای چنین دست و پنجه نرم کردنی راغب اند. منتهی آنها ترجیح میدهند که در این بحث و روشنگری، هم، سوال را، هم جواب را، خودشان تعیین کنند. ترجیح میدهند که جلسه، باشکوه و بحثشان، با پاسها و توضیحات مزاحم طرف دیگر، گذر نشود. در یک کلام، ترجیح میدهند که این میدان در انحصار مطلق آنها باشد. هم گوی در اختیارشان باشد، هم دروازه، به وجه بهتر که حریف شرم را کم کند. اینطور آسان تر میشود. هم ریش مندی را در دست خود گرفت، هم قیاسی را بهتر میشود، تا به قول شکسپیر: "متکلم بود، اما سخن نگفت". یعنی درباره همه چیز و راجی کرد، تا درباره آنچه به نفعمان نیست، سخن نگویم. راحت تر میشود یک ذره بیرونی از حقیقت را در یک رودخانه از دروغ خل کرد و به خورد یک آبادی داد.

آقای رجوی و دیگر رهبران "سازمان مجاهدین خلق" میدانند که در یک بحث زنده و رودر رو، یک "متم" فرصت دفاع داده میشود، ما نخواهیم گذاشت آنها به اندازه یک کتاب قطور آسمان و برسمان بمانند، اما حتی یک کلمه آنها در باره پرسش اساسی تا در این باره که: "جهت متحدان انقلاب در حال حاضر از چه نیروهایی میتواند تشکیل شود؟" نکوند.

در یک بحثی، بی شیلیم و دوطرفه، ما به رهبری "سازمان مجاهدین خلق" خواهیم گفت: هر چه دلتان میخواهد، ما به بحث بدهید. متعین ترین اتهامات شاه و ساواک و اقلیمهای سیاسی را درباره "حزب توده ایران" طوطی وار تکرار کنید. ما نمی نماند. اما لفظا به سوال ما هم جواب بدهید:

سازمانهای و رابریا حبیبه متحد انقلاب انتخاب می کنند؟ شما که مارا از رک و ریشم پورتونیست میدانید، شما که نیروهای بیرونی و خط امام، جنبش سلیمان مبارز، فدائیان خلق (اکثریت) و حزب توده ایران را به عنوان "جهت متحد ارتجاع" (۸) معرفی میکنید، با چنین نیروهایی میخواهید حبیبه مقابله کنید؟ آنرا تدارک ببینید؟ با چه روهها؟ اگر هم تعدلتان مشتاق این وصلت باشد، خیال نمی کنیم که جاسر ابراز علنی آنها را نخواهید دید. یا لبرالها که؛ چه طور روتیان میشود؟ پس که ممانند؟ خودتان با خودتان؟ این دیگر از حرفهاست! شما که بزگرترین درد انقلاب را انحصار طلبی حزب حاکم میدانید، شما که همه جا انحصار طلبی را به نام مباری در چشم خلق نشان داده اید، چگونه جرات میکنید که خودتان تا این اندازه انحصار طلب باشید؟ سکت نکنید. این سکت، جز نخواست. چه جوابی دارید؟

اگر جوابی ندارید، مگر نمی کنید که شرف و صداقت انقلابی، که آقای رجوی نطقهای غرضی درباره آن ایراد کرده اند، ایجاد میکند که اتهام "جهت متحد ارتجاع" را از منتقدان سیاست ضلی تان پس بگیرد؟

۱۵) تاریخ نوین ایران، ترجمه رفیق شهید هوشنگ تیرایی و حسن قائم پنهان بنگتار. (۱۶) مجاهد شماره ۱۰۹، ص ۱۵۰. (۱۷) ۱۸) ۱۹) ۲۰) ۲۱) ۲۲) ۲۳) ۲۴) ۲۵) ۲۶) ۲۷) همان منبع همانجا همان منبع همانجا همان منبع همانجا همان منبع همانجا همانجا همانجا همانجا همانجا

۱۵) تاریخ نوین ایران، ترجمه رفیق شهید هوشنگ تیرایی و حسن قائم پنهان بنگتار. (۱۶) مجاهد شماره ۱۰۹، ص ۱۵۰. (۱۷) ۱۸) ۱۹) ۲۰) ۲۱) ۲۲) ۲۳) ۲۴) ۲۵) ۲۶) ۲۷) همان منبع همانجا همان منبع همانجا همان منبع همانجا همان منبع همانجا همانجا همانجا همانجا همانجا

دین خلق از بحث رود درو با آیة الله خرمی رود؟

درداد گد حقیقت

باید
تلاش
واهد
صلی
دفاع

آتشین از مخالفان سرشناس خط ضدامپریالیستی
و مردمی امام خمینی وامی دارد و به نیروهای پیرو
خط امام، جنبش مسلمانان مبارز، فدائیان خلق
(اکثریت) و حزب توده ایران، با چنگ و دندان و
حتی با اسلحه افترا و دروغ و تحریف حمله
می برد...

و سر بریزیم "نویس" در داخل کشور، در عبارات زیرگفته و نوشته شده، خود پنهانی برای افشاء مدعیان کفایت نمی کند:
"بین حزب توده ایران و رژیم شاهنشاهی از خون شهدا فاصله است."
آیاتگیری روشن تر از این می تواند واقف اصلاحاتی را که شاه از
بلای چون آبی برآتش عصاب خلق می باشد، بر ملا کند:
"شاهی خواهد بالیراد برخی تغییرات سطحی و ناپیگیر در نظام موجود
اجتماعی ایران، این نظام را بسود حفظ منافع سلطنت مستبد، به سود
حفظ منافع سرمایه داران و ملاکان، بسود حفظ منافع امپریالیسم تثبیت
نماید. بهیچ جهت مابین سیاست شاه و سیاست تثبیت ارتجاعی نامگذاری
کردیم." (۲۲)

اجرای برخی اصلاحات نهمینند، کمترین آنها اصلاحات ارضی
است و مبارزه درباره ماهیت آنها و حدود و ثغور آنهاست که تاکنون
اجرای این اصلاحات با بیرون جلال تری و بر لاف و کزاف ترین تبلیغات
با اصطلاح "انقلاب سفید" همراه است، چیزی که فقط دروغ پردازی بی پروای
شاه و نمایان او، بلکه بدوی بودن طرز فکر و شیوه و عمل آنها را نیز
نشان می دهد. (۲۳)

تأثیر حاکم مجال امکان دست داد، راقم این سطور پیش از ۶۰ تغییر
و تحریف و تحلیل، با سرشت نمونه فوق، در آثار و نشریات حزب توده ایران
از آغاز اصلاحات شاه تا امروز، بافتت است. و این کجین که همگام است که
در برای زهریاش "مجاهدین خلق" و اسلاف آنها، که زیر نام معلم های
دگری سینه می زدند، حزب توده ایران و تساهلین حزب بوده است که
جامع ترین و علمی ترین بررسی ها و تفسیرها را در باره مواضع افق ها و انگیزه ها
و اعمال اصلاحات شاه فراهم آورده است. در آن هنگام و سال های مدید پس از
آن، که چهره ها و ملی نمایان در برابر اتهامات امپریالیسم و اصلاحات آن
چندی شامخ و خلم سلاح ضد نوردند، به از موضع افراطی چپ بکلی واقف
این اقدامات را حاشا می کردند و با از موضع راست در برابر آن لنگ می انداختند.
حزب ماجوایب مختلف و آثار و عوایب آنرا می گاوید و به تود معاهدش را می
داد.

حقی در صورتی که سیاست رفرمیستی کنونی تعقیب شود... ما با
رژیم شاه به جای دوری نخواهیم رفت و بهیوسته در زمره کشورهای عقب مانده
بجای خواهیم ماند. (۲۴)

و در همان زمان حزب، را مبرون رفت جامعه از این است، در گرو وظائف
سه گانه ای می دانست که بر عهده نیروهای مبارز است:
۱- وحدت و تشکل کلمه نیروهای کما به یاد تحول انقلابی در قیامند
۲- عمل آنها در جهت افشای همه جانبه رژیم و تجهیز مردم برای
مبارزه علیه آن.
۳- استفاده از آنها از کلیه وسائل و شیوه های مبارزه علمی و غیر علمی،
طرق مسالمت آمیز و قهرآمیز انقلاب برای برچیدن بساط رژیم کودتا و
سلطنت مستبد و درهم شکستن بنی که استعمار و ارتجاع در برابر سیاله
تکامل اجتماعی ماکشیدمانند. (۲۵)

نسبت دادن این گمان به حزب توده ایران، که "سرنوشتی رژیم
شاهنشاهی لزومی ندارد". (۲۶)

واقعا معصیت سیاسی بزرگی است که جزئی، با دعوی آرمان های انقلابی
مبارزان راز سرنوشت کردن، نکت مجسمی که در سیمای رژیم آدمی خوار شاه
این ملک و ملت آوار شده بود، باز دارد. اما با پراستی حزب توده ایران، آن
طور که گردانندگان نشریه "مجاهد" ادعا می کنند، لزوم سرنوشتی رژیم
شاهنشاهی را انکار می کرد؟

"مجاهد" ادعا نامه خود را چنین طرح می کند:
"حزب توده: سرنوشتی رژیم شاه لزومی ندارد." (سوی حزب -
شماره ۱، سال ۱۳۵۷)

و در زیر این نشریه، بخشی از مقاله "سوی حزب" را می آورد:
"ای سرنوشتی سلطنت استبدادی شاه محتما باید با برانداختن سلطنت
بطور کلی همراه باشد؟ به نظرمان... (۲۷)

گردانندگان نشریه "مجاهد"، برای بکری نشان دادن غرض خود، بدون
رودرباستی مرتکب چند تقلب ناشیانه شده اند:

۱- آنها یادگذاشتن تاریخ سال ۱۳۵۷ در زیر این جملات عسکتی و
قلب و ارقیت شاه، نخته خواسته اند و انمود کنند که گویا در آوج نبرد انقلابی
خلق با رژیم شاه و در آستانه پیروزی انقلاب، حزب توده ایران سرنوشتی رژیم
شاه را از دستور روز خارج کرده است. در حالی که مسئله از اساس با این تمایز
سک نمی خواند.
اولا: تاریخ انتشار دهمین شماره "سوی حزب" سال ۵۷ نیست، بلکه
سال ۱۳۵۶ است.
ثانیا: مقاله مورد نظر در دهمین شماره "سوی حزب" چاپ نشده، بلکه
در نهمین شماره این نشریه در چشده است. و تازه تاریخ انتشار نهمین شماره
نام "مردم"

"سوی حزب"، اسفند ۱۳۵۵ است و نه سال ۵۷.
ثالثا: مقاله مورد بحث اصلا نخستین بار در شماره ۱۱ ماهنامه نیابور
تاریخ بهمن ۱۳۵۴ چاپ شده و بعدها توسط نشریات دیگر، از جمله "نویس" و
"سوی حزب" تجدید چاپ شده است. اتفاقا در این مقاله در "سوی
حزب"، منبع اصلی آن بطور مشخص ذکر شده است.

دقت نظر و امانت داری را می بینید؟
۲- مقاله یادشده مدد در صد مخالف تلقین و تبلیغ گردانندگان نشریه
"مجاهد" و تساهلونها به معاطر اثبات لزوم سرنوشتی رژیم شاه نامعاصر شاه نوشته
شده است. چه دلیلی محکم تر از عین نتیجه گیری خود مقاله:
"از مطالب فوق این نتیجه حاصل می شود که در شرایط کنونی، در برابر
جنبش انقلابی ایران، یک وظیفه حتمی و مبرم وجود دارد و آن تجهیز و
متحد ساختن وسیع ترین نیروهای ممکن برای سرنوختن رژیم استبدادی
شاه است. فقط در این صورت است که می توان برای خلق، برای زحمتکشان،
برای طبقه کارگر این امکان را فراهم آورد که مبارزه خود را برای استقرار
جمهوری ملی و دمکراتیک... گسترش دهند و به پیروزی رسانند. (۲۸)

مقاله "دنیا" با این شعار، که با خروف برجسته تری چاپ شده، پایان
می گیرد:
"باید گفت و تکرار کرد و مستدل نمود که:
سرنوشتی رژیم استبدادی شاه شرط مقدماتی و اجلی برای استقرار
جمهوری... در ایران است." (۲۹)

خنده دار است نه؟ از چنین مقالو محتوایی، استخراج تیر "سرنوشتی
رژیم شاه لزومی ندارد"، بیشتر به مزاح و خوشمزگی شبیه نیست؟ ولی در ته
این فکاهه، ضعف در ماندن می که به هر ریمان بوسیده های چنگ می اندازد،
دست و پا می زند. نه، لیکنند نزنید. باید متأسف بود. برای سازمانی که
خود را انقلابی ترین و متعهدترین نیروی مبارز سیاسی ایران تصور می کند،
به خاطر این همه تنزل، باید عمقا متأسف شد. اختناق دهری و پراخت، چه
مصافی که بر سر اخلاق و اصول نگویند است. ما تا آن چنددهه منوعیت
فضیلت و تیرباران حقیقت و زیبایی را می دهیم. آثار آن گابوس تاریخی به
این زودی هاو به این آسانی هازا بل شدنی نیست. اما بد نیست روی مستمسکی
که "مجاهدین خلق" را قادر ساخته، از چنان مقاله ای چنین تیر و مضمون
اغواگری را بیرون بکشند، اندکی مک کنیم.

مقاله مورد نظر، همان طور که در تیر دوم آن (برخی نکات در باره
شکل، نوع و ماهیت دولت) منعکس است، اشکال احتمالی تحول اجتماعی
ایران را بررسی می کند.
در شای تئوریکش طرح می کند که در مرحله نخست تحول
"ای سرنوشتی سلطنت استبدادی شاه محتما باید با برانداختن سلطنت
(بمنابه شکل) همراه باشد؟"
و از دیدگاه رویدادهای ممکن جواب می دهد،
به نظر ما، نه.

و بلافاصله با توضیح خود هرنوع تردید و ابهام را می شوید. به عین
جملات خود مقاله توجه بقرمانید:
"به نظر ما، نه. تساهل و تلاش جنبش انقلابی ایران اینست و باید
این باشد که سرنوشتی سلطنت استبدادی شاه را با برانداختن سلطنت بطور
کلی، یعنی این شکل قرون وسطایی دولت، همراه سازد. ولی می دانیم که
تساهل و حتی تلاش نیروهای انقلابی برای این هدف های تاکتیکی و استراتژیک
به تنهایی کافی نیست. عوامل علمی و ذهنی، داخلی و خارجی گوناگونیک
باید با هم جمع شوند، تا تساهل تحقق پذیرد و تلاش به نتیجه برسد. لذا
مستکنت که حکومت فردی شاه و رژیم ترور پلیسی او از بین برود، ولی خود
سلطنت هم چنان تا مدتی باقی بماند. (۳۰)

مقاله، ضمن بررسی دیگر احتمالات، شق سرنوشتی اساس سلطنت را
دارای زمینه قوی معرفی می کند و تاکید می نماید:
"جنبش انقلابی ایران می گوید و باید بگوید که آن شکلی از دولت
را، که تسریع کننده تحقق هدف های تاکتیکی و استراتژیک باشد، بیاید و
تحقق بخشد. (۳۱)

خوب، آیا مسئله به اندازه کافی روشن شده است؟
"نسیجه" از زبان زرتشت، به فرزندان اندرز می داد: "از تف کردن
در برابر باد خنجر کنید. (۳۲)
در کاش خردمگبران ما از فرزندان بودند.

۳- جنبش ۱۵ خرداد و ارزیابی نقش امام خمینی:
حتی خونی ترین دشمنان حزب توده ایران هم، پس از انتشار این همه
سند و مدرک، دیگر جرأت نمی کنند، آن پاروهای من در آوردی را که گویا
حزب ما با جنبش ۱۵ خرداد به معارضه برخاسته رهبری آن را مرتجع خوانده
است، تکرار کنند. پس ای آقای مسعود جوی این همه جرات را از کجای آورد؟
در جریان جنبش ۱۵ خرداد، دفاع اصولی حزب توده ایران از مبارزات
مردم و پشتیبانی اش از روحانیت مترقی بعدی بود که طاغوت نیروی جنبش
را "اتحاد سرخ و سیاه"، یعنی مذهب و حزب توده ایران خواند و مجله
"خوانندگی ها" جمع است تزهات رادیو دولتی و جراید زیر فرمان ساواک را
در این فرمول متسلط کرد:

"ایگان بی بیان گاهی چنان از دین و روحانیت دفاع می کند که گوی
وظیفه پیامبری بر عهده دارد." (۳۳)

به این منت نمونه خوراز از مقالات و نظرات حزب توده ایران در
بحیوجه و امتداد جنبش مردمی ۱۵ خرداد نگاه کنید، تا عیار صداقت ما و
مدعیانمان بیشتر دستگیران شود:
"نسیجه هم میهنان ما را، یعنی سقور رژیم محمدرضا شاه نبود... در این
روزها مردم به ظاهر بر دست رژیم اکتفا نکردند، بلکه به مقاومت فعال در
برابر نیروهای مسلح دست زدند و برای غلبه بر این نیروها جانبازان
کوشیدند... بهجهانیان ثابت شد که تکیه گاه اصلی شاه سرتیروهای خونریز
اوست."

۲۸) دنیا، بهمن سال ۱۳۵۴، شماره ۱۱، مقاله: "از سرنوشتی سلطنت
استبدادی تا استقرار جمهوری ملی و دمکراتیک"
۲۹) همان منبع، همانجا.
۳۰) "سوی حزب" شماره ۹، اسفند ۱۳۵۵
۳۱) "چنین گشت زرتشت"، فروردین ۱۳۵۵، شماره ۱۴۱
۳۲) خوانندگیها، شماره ۷، ۲۳ خرداد ۱۳۴۴

سیمای انقلاب و جامعه کنونی ایران در نشریه «مجاهد»

وضع گیری حزب توده ایران در مورد دولت "گام به گام"، تیسار مدتی
و مسائل نظیر آن، که مرکز توجه نقادانه گردانندگان نشریه "مجاهد" است،
برای چندمین بار، اما با تفصیل بیشتر، در شماره های ۳۳۵، ۳۳۶، شهریور
گذشته، نامعروض، توضیح مناسب خود را یافته است. برای جلوگیری از
اطاله کلام، ما علاقتندان را به مراجعه به مقاله یادشده، که خطاب به
چهره های برخاسته آن روز است، دعوت می کنیم. در اینجا همین قدر به
احمال یاد آور می شویم که، آن سبانه محوسی و غسطنمیرداری ها هم، در
جوهر خود، کم کاستی از نمونه های شمشکی که در این مقاله بررسی کردیم
ندارد. ما عبارصحت و سلامت اتهامات "مجاهدین خلق" را، در اساسی ترین
موارد آن، در سوت نقد گذاشتیم، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.
اگر این ایرادات و افتراها اصالت و متانت داشت، نمونه های حاشیه ای تر هم
می توان داشتیم. اسلوب "مجاهدین خلق"، شورش علیه حقیقت، جراحی است.
کردن چهره موافقت و مطلوب ساختن آن در چارچوب منوهای خویش است.
و این راز سرپنهانی نیست که، اصرار در توجیه سیاست و رفتاری که با
قانونمندی های تحول انقلابی و مصالح نهایی خلق ناسازگار است، انسان را
نخست بطور سهوی و پس از مدتی عالما و عابدا در برابر حقیقت بجهت گیری
وامی دارد. قانونمندی های اجتماعی، فلز آسا، می گذشت و بی اثر اند.
سابقه جانپزنی و نیت قلبی، گره ای از مشکل نمی کشاید. نخستین خشت کج،
بقیه در صفحه ۶

- ۳۴) مردم، اول تیرماه ۱۳۴۲
- ۳۵) مردم، اول دیماه ۱۳۴۲
- ۳۶) مردم، ۱۵ آبان ۱۳۴۲
- ۳۷) مردم، ۱۵ آبان ۱۳۴۲
- ۳۸) مردم، ۱۵ آذر ۱۳۴۲
- ۳۹) مردم، اول آذر ۱۳۴۲
- ۴۰) مجله دنیا، شماره اول، سال پنجم، بهار ۱۳۴۲
- ۴۱) مردم، ۱۵ مرداد ۱۳۴۲
- ۴۲) مجموعه اعلامیه ها و موضع گیری های سیاسی مجاهدین خلق ایران، جلد دوم، ص ۱۵۶
- ۴۳) همان منبع، ص ۱۲۶ و ۱۵۶
- ۴۴) مصاحبه برادر مسعود جوی "قسمت ۶، مجاهد، شماره ۱۱۳، ص ۱۲
- ۴۵) سلسله مقالات نشریه "مجاهد" که تا این لحظه ۱۳ مقاله رسیده مو همچنان ادامه دارد.

مختصری درباره شرکت سهامی پشم شیشه ایران

شرکت سهامی پشم شیشه ایران از سال ۱۳۴۳ فعالیت خود را با تأسیس کارخانه پشم شیشه تهران آغاز کرد...

با انقلاب در کارخانه کارکنان کارخانه

پشم شیشه ایران

بالا بردن کمیت و کیفیت تولید وظیفه انقلابی کارگران است

چندانی از این کلاس ها عمل نموده و برعهده شورا است که با تشویق کارگران به شرکت در این کلاس ها...

عقل موقفیت در امر تولید کارخانه پشم شیشه اردبیل در خاندانهای است که در استان فارس، پس از انقلاب...

شورا و مسئولیت

بعد از انقلاب تاکنون شمارشورای تولیدیها در شهرستانها و واحدهای مختلف و هم توسط خودکارخانه انجام میگیرد...

چگونگی فعالیت ضدانقلابی

ضد انقلاب، که نمی تواند ادامه روند تولید در کارخانه را پس از انقلاب ببیند، تلاش گسترده ای را در جهت به تعطیل کشاندن آن ها آغاز کرده است...

فعلی بحران انرژی در کشورهای سرمایه داری، حائز اهمیت است. بطور مثال در فرانسه استفاده از پشم شیشه در واحدهای مسکونی اجباری است...

کارگران و جنگ

شورا اقدام به جمع آوری کک مالی (ماهانه حدود ۵ تا ۶ هزار تومان) برای جیبه کرده است. در تیرماه قبل نیز کارگران کارخانه مبلغ ۳۰۰-۴۰۰ هزار تومان جیبه کک جیبه جمع آوری کرده اند...

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن

استفاده بهتر از کارخانه مورتافند: (۱) با افزایش تولید، قیمت تمام شده پایین می آید و محصولات کارخانه قادر خواهد بود در سطح خاورمیانه کالاهای مشابه رقابت کند...

ضد انقلاب است

امریکا، مستقیماً یکی از بزرگترین اردوکننده های نظامی خود را، با تحمل گزافترین مخارج، به آب های نزدیک سواحل ایران آغاز کرده و همان خدمت مرعوب کننده بی سابقه ای بجا می کشد...

مجاهدین خلق

دیوار را تراشید که بالا می برد. نخستین گام در به راه، گام های گشته بعدی را صدا می زند. این منشا در رهبری "مجاهدین خلق" است...

مجاهدین خلق

مردم است. (۴۹) آنچه در آن ذی قوام، منافع مردم است. (۵۰) در یکی از حساس ترین لحظات تاریخ این سرزمین، بیش از ۸۰ درصد از مجموعه صنایع ارگان اصلی "مجاهدین خلق"...

مجاهدین خلق

مطلب علیه خرده بوروازی بااصطلاح سنتی، نیروها و سازمان های سیاسی ضد امپریالیست، شخصیت ها و رجال سنتی به خط امام و اهداف انقلابی چاپ کرده اند...

شصتمین سالگرد قیام مردم خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان

۱۳ فروردین ۱۳۶۰، شصتسال از آغاز قیام مردم خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان گذشت. این قیام که بخشی از سومین اوج جنبش ضدامپریالیستی و زهادتی بخش ملی مردم ایران (پس از قیام تنباکو و انقلاب مشروطیت) بود، علل عمیق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی داشت.

انقلاب مشروطیت ایران (۱۲۸۹-۱۲۸۴)، که قیام هکسانی مردم زحمتکش علیه خودکامگی رژیم اربابیت رعیتی و تسلط روزافزون امپریالیسم بر این کشور بود، یا مداخله مستقیم دول امپریالیستی و خیانت لیرالهای سازشکار و تسلیم طلب، فاتح ماند و شکست خورد. سلطنت مشروطه خاندان قاجار، که چنانچه سلطنت مطلقه همان خاندان شده بود، یاری از روی دوش مردم زحمتکش برداشته. یا شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۷) وضع زندگی ملت قسری مردم زحمتکش کشور، که با وجود اعلام بیطرفی رسمی در جنگ، میدان تاخت و تاز دو گروه جبهانواران امپریالیست قرار گرفته بود، روز بروز بدتر و وخیم تر میشد. تضاد های درونی جامعه ایران شدت میگرفت. جنبش اعتراضی مردم علیه تسلط امپریالیسم و رژیم پوسیده شاهنشاهی در گوشه و کنار کشور ادامه داشت.

جنگ جهانی اول، که بین دو گروه دول امپریالیستی بر سر تجدید تقسیم جهان سر گرفته بود، به انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در روسیه منجر شده، انقلابی که برای نخستین بار در تاریخ بشریت یک خدای بنای رفیع نظام نوین عدالت اجتماعی، نظام شوروی سوسیالیستی را بنا نهاد و با پیروزی خویش ضریب شکستهای بر یکسر امپریالیسم - این آخرین و فاسدترین نظام طبقاتی - وارد ساخت.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر شرایط مساعد جهت گسترش جنبش های زهادتی بخش ملی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آورد. در ایران، انقلاب جنگلی ها به سرکردگی میرزا کوچک خان در گیلان، انقلاب دموکراتها به رهبری شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، قیام مردم خراسان به رهبری کلنل محمد تقی خان پسیان در سالهای (۱۳۰۰-۱۲۹۸) همه به سبب تضاد های درونی جامعه ایران و در شرایط مساعد بین المللی پس از پیروزی اکثر کبیر نسج گرفت و به موفقیت هائی، هر چند موقتی، نیز دست یافت.

برای پی بردن به سبب اصلی قیام خراسان و هدف عمده داخلی (علیه رژیم قاسد اشرافی و اربابیت رعیتی) و خارجی (علیه تسلط روزافزون امپریالیسم) آن، به نقل دو سند تاریخی بسنده میکنیم:

۱- در نامه ای که کلنل محمد تقی خان به یکی از همزمان خود (بازور علی رضاخان معروف به شمشیر) نوشت، به سراحت متذکر گردید که:

«ما باید ریشه های تنگن خیان را از جا کنده اصول «ارستوگرایی» را از مملکت نابود سازیم، عزم آهنگ ما سلاسل و قیودات ارتجاعی را از هم گسسته و تمام مواقع و عواقب را بر هم شکنیم.»

۲- در دوران اوج قیام، ژنرال کسول انگلیس در خراسان، **«پریداگس»**، منظور کمک به دولت مستعزانه امپریالیسم در تهران، به دخالت آشکار و خشن در امور داخلی کشور دست زد، میخواست کلنل محمد تقی خان را به خروج از ایران و مسافرت به اروپا وادار کند. به این منظور پریداگس بدینار کلنل محمد تقی خان میروید و به او میگوید، که طبق دستور مرکز باید برای تکمیل معلومات خود به اروپا بروی. پسیان در جواب میگوید:

«اگر این دستور از طرف دولت ایران است، شما چرا مانور ابلاغ آن شده اید؟ اگر از مقام دیگری است، انجام آن برای من الزامی ندارد.»

پریداگس، که از جواب عاجز میماند، به تهدید پراخته با وقاحت میگوید:

«اگر پیشنهاد مرا بلاشروط قبول نکنید دستور میدهم عتبار خراسان بر شما بشورند.»

کلنل، که در مقابل این جرات پریداگس برآشفته میشود، با پشت روی میز زده میگوید:

«دو کسول انگلیس هستی یا والی خراسان؟ اگر من بعد در کلاهی ما مداخله کنی، دستور میدهم به زاهدان بزنند و در سرحد تحویلت بدهند. برو...»

و در نامه ای که به دوست خود کاتب زاهدان اراشهر، مقیم برن، مینویسد، از جمله متذکر میشود:

«همسایه جنونی و دولت قنار می آورد که من به خارجه مسافرت کنم، لیکن من تا ممکن است دست

از وطن نخواهم کشید و در همین جا بگسور خواهم رفت... کمک کنید تا ایران را از تحت توتد همسایه جنونی خلاص کرده، ریشه اشراف پوسیده را از بیخ و بن برکنیم.»

برخلاف آنچه بعضی از مورخین مینویسند، قیام پیچیده نتیجه عداوت شخصی پسیان با والی خراسان قوام السلطنه نبود. توقیف قوام السلطنه کمروز سیزده عید نوروز سال ۱۳۰۰، توسط نیروی ژاندارم، بدستور کلنل محمد تقی خان، صورت گرفته، درواقع بیانه و وسیله ای برای آغاز قیام بود نه سبب و علت آن.

البته، مخالفت با قرارداد منجوس و توقیف قوام السلطنه که ایران را در صدمه اقتصادی امپریالیسم انگلستان میکشید، یکی از علل این قیامها بود. اما این قرارداد نیز بنوع خود، تنها یک نمونه از تسلط روزافزون و خائنانه برانزاد امپریالیسم بطور کلی بر کشور ما ایران بود.

به شهادت اسناد موجود، قیام خراسان طبق نقشه پیشبینی شده توسط دموکراتها تدارک دیده شده بود. قیام از پشتیبانی جدی سوسیالدمکراتهای ایران برخوردار بود. کلنل شخصاً از قیام مردم آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی مطلع و نسبت به آن بسیار علاقمند بود. او همچنین نسبت به نهضت جنگلیها در گیلان فوق العاده اظهار علاقه میکرد.

سوسیالدموکراتهای ایران، که در اوج جنبش گیلان، حزب کمونیست ایران را زیر زری کرده بودند، بنا به ابتکار جمعی درمسد ایجاب ارتباط با خیابانی در آذربایجان و پسیان در خراسان برآمده بودند که متأسفانه این ارتباط برقرار نگردید و هم آهنگی بین این سه بخش جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران تأمین نشد. شکست جنبش گیلان و سپس سرکوب قیام آذربایجان بی شک نمیتوانست در سرنوشته قیام خراسان نیز منقار باشد.

سندی که آقای علی آذری در کتاب خود **«قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان»** آورده است، حاکی از توجه خاص کلنل نسبت به نهضت جنگلیها در گیلان، یاس او در مقابل شکست این نهضت و بویژه حسن نظر او نسبت به سوسیالدمکراتهای ایران و رهبر آنان حیدرخان الله، در پیغامی که کلنل محمد تقی خان برای احسان الله خان فرستاده است، به زبانهای که او به نهضت جنگلیها زده اشاره میکند و در عین حال نظر تحسین آمیز خود را نسبت به حیدرخان عمواوغلی آشکارا بیان میدارد.

کلنل محمد تقی خان، در زودخوردی که ۱۰ مهر ماه ۱۳۰۰، در تپه های چغیرآباد چوران با نیروهای اعزامی از طرف دولت مرکزی و ضد انقلابی های محلی در گرفته بود، به شهادت میرسد. گرچه پس از کشته شدن او در جبهه، دیگر همزمان صدیق، چون کلنل اسمعیل خان بهادر و دیگران مدتی به مقاومت و زودخورد ادامه میدهند، لیکن قیام مردم خراسان نیز از سوی دولت دست نشانده تهران و نیروهای ضد انقلابی محلی سرکوب میشود.

علل اصلی شکست قیام خراسان نیز، مانند دیگر قیامهای آن دوره، اختلافات داخلی، عدم وحدت و انسجام و تشکل لازم در نیروهای انقلابی، توطئه ها و خرابکاری های بی در پی نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع ایران، بویژه دولت لیرال های تسلیم طلبی و سازشکار، عدم هم آهنگی لازم بین بخشهای عمده نهضت ضد امپریالیستی و زهادتی بخش ملی در گیلان، آذربایجان و خراسان است.

لیکن اهداف و مقاصد والایی که این قیامها نیل بدان را وظیفه عمده خود قرار داده بودند، چیزی نبود که با سرکوب آنها از بین بیرون و وظایف اساسی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که در مقابل جامعه ایران قرار داشت، حل قطع خود را طلب میکرد. سرکوب انقلابها و قیامها، اصلاحات نمیبند، عوام فریبی و وعده و وعده ها چیزی نبود که بتواند مسائل اساسی جامعه را به شیوای بنیادی حل کند. جنبش اعتراضی خلق در همه دوران دیکتاتوری چنانیکار خاندان پهلوی ادامه یافت، هرچه تسلط امپریالیسم آمریکا و انگلیس شدت و وسعت گرفت، جنبش توده های زحمتکش نیز سرسخت تر، با تجربه تر، آزمودتر شد، تا آنجا که امروز ما شصتمین سالگرد قیام تاریخی مردم خراسان به رهبری پسیان علیه مظالم رژیم شاهنشاهی و تسلط امپریالیسم را، در سومین سال پیروزی انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی، با سرفرازی و افتخار برگزار میکنیم.

کمک مالی سازمان های حزب توده ایران در همدان و شهر کرد به جنگ زدگان

بدینال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران جهت کمک به جنگ زدگان، سازمان حزب توده ایران در همدان، مبلغ سه هزار و پانصد و هشتاد تومان نقد و تعداد ۸۲ بسته لباس و هفتصفت کتک برای کمک به جنگ - زدگان، به هلال احمر این شهر تحویل گردید.

نیروی عظیم...

پیه از صفحه ۱

خود را می شناسند، بلکه برای ریشه کن کردن سلطه آن تردیدی ندارند.

تساوی امام خمینی، که بر فراز صنوف برمیایان خلق در اهتزاز بود و شمار واحد آمریکا ضمیمه ملت، خمینی رهبر ملت، بار دیگر نشان داد که در سومین سالروز پیروزی انقلاب، توده ها زیر رهبری امام خمینی آماده رزم و ایثارند. آنان رهبری امام خمینی را با نابودی دشمن اصلی، در شعارها و پلاکاردها و در خروش برمیایان خود پیوند زنده و نشان دادند که توطئه های دشمن برای خنثی کردن رهبری انقلاب یا شکست مواجبه شده است.

توده های خلق با شمار «درد بر خمینی، سلام بر شهیدان» یا دیگر اعلام داشتند که زیر رهبری امام خمینی راه شهیدان گلگون کفن انقلاب را - برای ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم، سر - کردگی آمریکا، بر خاک مینمایانند، تا پیروزی قطعی و نهایی ادامه خواهند داد.

توده های میلیونی مردم با گشتن ۱۲ بار هرگز بر آمریکا در پایان مراسم تهران و خورشید هرگز بر آمریکا، هرگز پسر ریگان، باز دیگر رسوائی توطئه های ضد انقلاب را برای خارج کردن آمریکا از زیر ضربه اعلام داشتند.

روز ۱۲ فروردین ۱۳۶۰ در سراسر ایران توده ها در راه پیمائی ها، شعارها و قلمنامه ها، بار دیگر برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پیمان بستند و هدف خود را در سومین سالروز استقرار جمهوری اسلامی ایران اعلام داشتند: - هرگز بر آمریکا!

براستی که حضور توده ها، شناخت ریشه های آنها از دشمن غدار در سال سرنوشته سال ۱۳۶۰، مایه شکستی و مایه های وحدت، وحدت، آمادگی، ایثار در این سال سرنوشته سازمان باید از این نیروی شگرف، که اکنون ۴ سال است خون میدهد و می زرنند، ۴ سال است که با دشواریهای تحمیلی از جانب امپریالیستها و کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان دورپرست و با اینهمه به نبرد ادامه منتهی دهد، ۴ سال است که بر خاشاک افتد و برمی خیزد، ۴ سال است که ارواح خبیثه در گوشش زمزمه تسلیم ساز می کنند و او سرود نبرد می خواند، ۴ سال است که هستی خود را میدهد تا انقلاب خود را حفظ کند، آری، باید از این سازمان داد.

انبار مهمات...

پیه از صفحه ۱

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی طی اطلاعیه ۴۵۴ خود گوشه ای از نبرد این رزمندگان را طی روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین در اطلاع هکسان قرار داده است. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

۱- باعداد دیروز نیروهای جلیلیز اسلام متشکل از نیروهای ارتش و برادران پاسدار در یک عملیات شهروانه در منطقه سوسنگرد ۴۴ تن دشمن را منهدم ساختند و ۱۵ تن از افرامرائی را بهلاکت رسانیدند. دشمن که توان مقابله با نیروهای منافع اسلام را در خود ندید، شهر سوسنگرد را زیر آتش قرارداد و تعدادی از هوامان ما را مجروح کرد. همچنین در روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین ماه دشمن متجاوز شهرهای اهواز، دزفول و آبادان را زیر آتش تویخانه قرارداد و ضمن وارد کردن خساراتی به چند خانه مسکونی تعدادی از هوامان غیر نظامی و بردافع ما را شمشید و مجروح ساخت.

۲- روز ۱۲ فروردین ماه با آتش تویخانه یکگانه ای ارتش جمهوری اسلامی ایران بمواقع دشمن در منطقه فلو عراق یک انبار مهمات دشمن به آتش کشید و نابود شد.

۳- در روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین ماه میاده آتش درازلب جبهه های غرب کشور آماده داشت و تویخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۲ فروردین بر مواضع دشمن در منطقه مقابل مرزبان آتش گسود و مسنگر اجتماعی و ۱ نفر و ۳ خودرو دشمن متجاوز را نابود کرد.

حوالی نیمه شب روز پنجشنبه بار دیگر رژیم چاینگار صدام شهر شمشیر دزفول را مورد حمله موشکی خود قرار داد که منجر به شهادت یک نفر و مجروح شدن ۱۲ نفر و خراب شدن تعداد زیادی از خانه های مسکونی گردید. این حمله صبح روز جمعه نیز انجام گرفت.

به گزارش خیرنگار خیرگزاری پارس از اهواز، شب گذشته (پنجشنبه ۱۳ فروردین) یکی از نقاط مسکونی شهر اهواز با موشک تجاوزگران مورد حمله قرار گرفت.

بزارت این حمله چنانیکارانه ۲ تن شمشید و ۳ تن مجروح شدند و به تعداد زیادی منازل و خانه مسکونی خساراتی وارد آمد. در نتیجه زدهای اراجرای آتش تویخانه رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران یک انبار مهمات و چند سنگر دشمن نابود شد و در یک عملیات چریکی دیگر نیز یک خودروی دشمن از بین رفت در گیلان غرب و سومار بر اثر آتش تویخانه ارتش مسنگر اجتماعی و چند موضع دشمن هدف قرار گرفت و خساراتی به دشمن وارد آمد.

بر اساس همین گزارش در یکی از ارتفاعات غرب در نبرد بین رزمندگان ژاندارم با ارتش صدام یک موضع خیابان انداز دشمن نابود شد و تلفاتی به آنان وارد آمد. در این درگیری یکی از رزمندگان ژاندارم شمشید و ۴ تن زخمی شدند.

محاكمة امير انتظام

در امور داخلی ایران نیست؟ و آیا مجموعه اقدامات وی (چه به دستور مهندس پازرگان انجام گرفته باشد و چه بابتکار شخص خود) کوشش برای بازگشت و سلطه مجدد آمریکا بر ایران نیست؟

لاگر يك فرد ساده و بی تجربه در امور سیاسی می‌فهمد که امپریالیسم آمریکا بسادگی نمیتواند شکست خود در ایران را تحمل کند و بیشک برای «بازگشت» خواهد کوشید، چگونه امیرانتظام که راهی خود سی سال فعالیت سیاسی داشته است، تا امروز باین حقیقت ساده پی نبرده بود؟

صحبت بر سر سلسله منقحی و دیوانداری است که امیرانتظام در یکسو و نمایندگان امپریالیسم آمریکا در سوی دیگر آن قرار داشته‌اند. بین انقلاب ایران و امپریالیسم آمریکا خصومت آشوبناپذیر حکمفرما بوده است. بین امیرانتظام و مأموران سفارت آمریکا چه نوع تقابلی وجود داشته است؟ بحث بر سر کلیات نیست که هر دولتی با نماینده دولت دیگر تماس بگیرد مذاکره میکند و... بحث در مورد شخصی است که نماینده یک دولت انقلابی یا مأموران جاسوسی و سیاسی دولت دیگری که در تصدات آن نیست به براندازی انقلاب و رهبری آن تردیدی نباید داشته باشد. وارد مذاکره میشود و اطلاعاتی را که میتواند به این دولت متجاوز و خائن در اقدامات بی‌مدرسه انقلاب و دولت انقلابی کمک کند، در دسترس او میگذارد.

محاكمة امیرانتظام، چنانکه دامستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران بدستی در کيفرخواست خود تصریح میکند، محاكمة «لایان سیاست‌پز» است که «مقدم» پیش خور دوايره شیطان در مبین انقلابی ما بوده‌اند و امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا «در همان آغاز» هم خود راهبر و پشتیبانی این عناصر «سازشکار» و جلب آنها نموده است. هر کس که به ندای امپریالیسم خونخوار آمریکا لیک گفته است و دست همکاری بسوی آنان دراز کرده‌است، خائن به انقلاب و مبین انقلابی نیست.

امیرانتظام باید ثابت کند که از بیرون مکتب سازش با آمریکا نبوده است. ولی واقعیت اینست که تمام اسناد و مدارک و حتی شهادت مهندس پازرگان در دادگاه عکس اینرا ثابت میکند.

غارتگر و تاجیز نموند خون هزاران شهید و سلطه مجدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی امپریالیسم آمریکا اقدامی کرده است یا خیر؟

آیا مبادله اطلاعات بین او و دیپلماتهای آمریکائی، که ضویت آنها در سازمان صیبه برای او محرز بود، میتواند است نتیجه دیگری جز تسویل این بازگشت و سلطه داشته باشد؟

آیا امیرانتظام میتواند، بدون توقف بر تابعی مبادله این اطلاعات، یا دیپلماتهای جاسوسی آمریکائی همکاری کرده باشد؟ اینکه بین امیرانتظام و مأموران سفارت آمریکا «مبادله اطلاعات» صورت میگرفته، محرز است و شاهد تعدادی، چون مهندس پازرگان نیز آرا صدیق کرده است. مردم ایران میخواهند بدانند که: این «مبادله اطلاعات» برپایه چه قراردادی، چه تصویبنامه‌ای انجام میگرفته است؟ آیا شورای انقلاب، عالیتزین ارگان کشور در دوران دولت موقت، «مبادله اطلاعات» بین ایران و ایالات متحده آمریکا را صویب کرد است؟ امیرانتظام بچه مجوزی تصمیب گرفته است که بین ایران و آمریکا «مبادله اطلاعات» مبادله کند، آنچه «اطلاعات» که هدف آن جلب پشتیبانی آمریکا از دولت موقت برای رویارویی با نهادهای انقلابی است؟

مقام گرفته که «مبادله اطلاعات» و دادگاههای انقلابی باشد؟

(رجوع کنید به کيفرخواست دامستان انقلاب اسلامی تهران، بند ۳).

در اینجا نه پای ترجمه، در میان است، نه سندسازی و نه فسق، گروهی از بهترین فرزندان ایران، که لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند و رشته این «مبادله» دوستانه را برینفند تمام امارات و قرائن و اغراض و نطقهای مهندس پازرگان و مقالات و نامه‌های سرکشاده به‌دیشان ثابت میکند که دولت موقت با این نهادهای انقلابی سر سازش نداشته است. اکنون امیرانتظام باید بگوید که اصولاً گفتگو درباره این مسائل یا مأموران سفارت آمریکا چه ربطی یا مسائلی روابط بین دو کشور داشته است و این مسائل صرفاً داخلی را یا کسانی که در خصوصشان نسبت به انقلاب ایران کوچکترین تردیدی وجود نداشته است، بچه منظور در میان گذارده است؟ آیا این عمل وی دعوت از آمریکا بیداخله

برای نخستین بار در تاریخ ایران، یکی از دولتمردان شاغل پاتهام جاسوسی به سون امپریالیسم جهانی، پسرکردگی آمریکه و خیانت به‌میبین، از پشت‌باز وزارت و سفارت های میز محاكمة کشیده شده است، و این خود، صرف نظر از اینکه رای دادگاه دوباره متهم به باشد، یک پیروزی بزرگ برای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است.

امیر انتظام را، چنانکه دامستان انقلاب اسلامی مرکز در کيفرخواست خود آورده است، به گناه آنکه یکی از مبره‌هایی بوده است که «آرام آرام» و با انتخاب روشی تسلیم‌طلبانه و سازشکارانه، و با نادیده انگاشتن خون هزاران شهید مقدم‌الجبیش خور دوايره شیطان (امپریالیسم آمریکا - نامه مردم) در اندرون امت‌مسلمان میشوند، محاكمة میکنند. اتهام امیر انتظام آنست که در ردیف سایر «لایان سیاست‌پز» و حش هره با پس جهات‌خواهان را دوايره به «مید مبدل» کرده است.

دامستان انقلاب اسلامی مرکز این پرستی برعکس را مطرح میکند که: اگر «جه‌ره‌های سازشکار و تسلیم‌طلب» شناخته نمیشدند، «کسی چه میداند...» چه برسر این انقلاب می‌آمد و سر نوشت این حرکت عظیم الهی و اسلامی یکجا متهمی میشد و پراستی آیا پس از آنچه «لاشهای عقیم» آمریکائی غارتگر برای بازگشت دوايره و تاجیز نموند خون هزاران شهید و سلطه مجدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی دوايره اسلامی، راهی جز توسل به عناصر سازشکار وجود میداشتند؟

جان کلام دامستان انقلاب اسلامی مرکز در همین چند جمله نهفته است، و او براستی از زبان تمام مردم ایران سخن میگوید، و اگر متهم را در دفاع از خود پاسخی است، باید باین اتهام اساسی پاسخ بدهد، نه اینکه سخن را به سمت و ستم «ترجمه» اسناد و «خدماتی» در دوران سفارت در استکبلم بکشاند.

امیر انتظام باید صراحتاً باین سؤال دامستان انقلاب اسلامی تهران پاسخ بدهد که: آیا طرفدار «خورد دوايره» شیطان بزرگ در ایران بوده است؟ آیا برای بازگشت دوايره آمریکائی

بمناسبت بیستمین سالگرد پایه‌گذاری سازمان پیشاهنگان خوزه مارتی، کوبا

«سازمان پیشاهنگی خوزه مارتی» در کوبا

(تأسیس: ۱۵ فروردین ۱۳۴۰ - ۴ آوریل ۱۹۶۱)

سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، یکی از پنج سازمان جوانان و خرمسالان کوبا است، که کودکان ۱۴-۱۶ ساله را در صفوف خود گرد می‌آورد. اکنون بیش از ۲ میلیون نوجوان کوبایی عضو این سازمان هستند.

سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، در واقع، وارث اتحادیه پیشاهنگی است که بیش از پنجاه سال پیش، در زمان دیکتاتوری ماکلاو، در کوبا تأسیس یافت.

پس از پیروزی فیدل کاسترو و یارانش بر دیکتاتوری پائین، در سال ۱۳۳۹ (۱۹۵۹)، اتحادیه نامبرده منحل و در ۱۵ فروردین ۱۳۴۰ (۴ آوریل ۱۹۶۱) بنام «پیشاهنگان شورشی» از نو بنیان گذاشته شد. این سازمان چهار سال است که زیر نام کنونی - «سازمان پیشاهنگان خوزمارتی» - فعالیت میکند.

مهمترین هدف سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، تربیت کمونیستی نسل نوجوانان کوبا است و در این زمینه از «اتحادیه جوانان کمونیست» که خود در راستای هدف‌های «حزب کمونیست کوبا» فعالیت میکند، رهنمود می‌گیرد.

از دیگر وظائف سازمان پیشاهنگان خوزمارتی، عبارتست از: همکاری برای پیشبرد هرچه بیشتر برنامه‌های آموزشی، تدارک برنامه‌های تفریحی و ورزشی و آموزش مبین‌دوستی و انترناسیونالیسم. عضویت در این سازمان داوطلبانه است.

دعوت سازمان پیشاهنگان خوزه مارتی، هر ساله تابستان، کودکان کشورهای گوناگون جهان در اردوگاه بین‌المللی، که در کوبا برگزار میشود، گرد هم می‌آیند.

کشایش دوازدهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان

دوازدهمین کنگره «حزب کمونیست بلغارستان»، که روز ۱۱ فروردین در صوفیه کنایش

یافت، بکار خود ادامه میدهد. نمایندگان به بحث درباره گزارش تودور ژیوکوف، دبیر-کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، پرداختند و پشتیبانی خود را از اصول سیاست داخلی و خارجی حزبی اعلام داشتند.

ضدانقلابیون افغانستان اهالی یک روستا را قتل‌عام کردند

یک گروه ضدانقلابی در افغانستان ساکنان یک روستای مرزی را قتل‌عام کردند. عناصر ضدانقلابی به کشتار بی‌رحمانه زنان و کودکان صیبه قائم، واقع در کنگر، دست زدند. آنها همچنین دو دیستان را در ایالت پروان به آتش کشیدند.

پشتیبانی امپریالیست‌ها از محافل ضد سوسیالیستی لهستان

پشتیبانی محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکا از عناصر ضدسوسیالیستی در لهستان شدت یافته است. برپایه گزارش‌های رسیده، نیروهای مترقی لهستان، ضمن محکوم کردن این توطئه‌ها، تأکید کرده‌اند که از «اتحادیه همبستگی» یمنوان وسیله تهدید دولت سوسیالیستی لهستان استفاده میشود.

خبرگزاری «تس» چندین‌بار اظهارات وزیران دفاع و خارجه آمریکا را درباره لهستان-داخلت نااهجار در امور داخلی لهستان، خواند.

در سالگرد جمهوری اسلامی ایران مردم اتحاد شوروی همبستگی خود را با انقلاب ایران ابراز داشتند

بگزارش رادیو مسکو (برنامه فارسی ۱۳ فروردین ۱۳۶۰)، دکتر محمد صفری، سفیر ایران در اتحاد شوروی، بمناسبت دومین سالگرد اعلام جمهوری اسلامی ایران دریک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو شرکت کرد و در آن درباره دستاوردهای انقلاب ایران و یارهای از مسائل سیاست خارجی ایران سخن گفت.

بمناسبت دومین سالگرد اعلام جمهوری اسلامی ایران، گروه‌های گوناگونی در نقاط مختلف اتحاد شوروی برپا شد، که در آنها مردم و شخصیت‌های این کشور همبستگی خود را با انقلاب ایران ابراز داشتند.

برای نمونه، گروه‌هایی در «پاشگاه انترناسیونالیستی» ملوانان در بندر پاتنا، واقع در کرانه دریای سیاه، تشکیل شد (این پاشگاه عضو «انجمن روابط فرهنگی شوروی و ایران» است).

در این گروه‌هایی، ملوانان شوروی، که به ایران مسافرت میکنند و برخی از کارشناسان شوروی، که زمانی در ایران بوده‌اند و همچنین دانشجویان کشورهای آسیایی، که در مدارس عالی کریمه به تحصیل مشغولند، حضور داشتند. حاضران در سخنرانیهای خود تأکید کردند که مردم شوروی از نخستین روزهای انقلاب ایران، به مبارزات مردم ایران، بویژه علیه دسایس امپریالیستی، بدیده تحسین می‌نگریسته‌اند و اکنون نیز پیروزی آنها را در پیروزی زندگی نو در مبین خویش سمیانه آرزومندند. شرکت‌کنندگان در گروه‌هایی نامبرده، سپس از نمایشگاهی، که باین مناسبت برپا شده بود، دیدن کردند.



«ناتو» بار دیگر استقرار موشک‌های آمریکایی را در پنج کشور اروپایی بررسی میکند

گروهی از کشورهای بلوک «ناتو» روز ۱۱ فروردین ۶۰، در گروه‌هایی در بروکسل، استقرار ۶۰۰ موشک هسته‌ای میان‌برد آمریکایی را در پنج کشور اروپایی بررسی کرد.

هر چند طرح استقرار این موشک‌ها از سوی رهبری «ناتو» و با اعمال فشار «واشنگتن» به تصویب رسیده است، کشورهای هلند و بلژیک تاکنون یا آن‌موافقت نکرده‌اند.

بسیاری از شخصیت‌های مترقی بریتانیا، ایتالیا و آلمان فدرال نیز تاکنون کوشیده‌اند تا دولت‌های خویش را به تجدید نظر در طرح نامبرده وادار سازند.

گفتگوهای وزیر خارجه آلمان فدرال در مسکو

کتابکوه‌های آفریه گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، و هانس دیتریش گشر، وزیر خارجه جمهوری فدرال آلمان در مسکو آغاز شد.

دو طرف، باتوجه به اوضاع بین‌المللی کنونی، به بررسی برخی از مسائل مرم بر پرداختند. در این گفتگوها بویژه اوضاع اروپا مورد بررسی قرار گرفت و نقطه‌نظرهای دو طرف درباره تحدید تسلیحات، پیشبرد خلع‌سلاح و کار گروه‌هایی مادریده تصریح شد.

وزیر خارجه انگلیس در پکن

لرد کرینگتون، وزیر خارجه بریتانیا، که چند روز پیش از پاکستان دیدن کرد، روز ۱۳ فروردین ۱۳۶۰ وارد پکن شد. چنانکه خبرگزاریها گزارش دادند، افغانستان یکی از مهم‌ترین مسائل مورد بحث کرینگتون با رهبران چین بود.

در کنار آمریکا، چین و پاکستان و انگلستان همواره از عمده‌ترین حامیان ضدانقلاب در افغانستان بوده‌اند.

نقشه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

کتابخانه ممتاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 477
4 April 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم، مکاتبه کنند.
ممنون بستی
۱۴ پستی تهران